

(یکوهاما) فرستاده ولی افسران جهاز که انگلیس بوده اند همه را گرفتار و بطریق اسرای جنگی با آنان سلوک میشود

§ اخبارات انگلیسی علی العموم برخلاف روس و حرکات جهازات جنگی (ولادی و دسک) مفسلات سخت مینویسند و در غرق جهاز (نایت کادر) ظاهر میدانند که دولت روس انگلیس را بجنبک خود طلب می کند

§ جنرال (کرو باتکن) سپهسالار اقصای شرق بیان نموده که در جنوب (تاشیچو) بتاريخ ۲۳ جنگ سختی پیش آمد آنجنگ در توپخانه های روس و ژاپون محدود بود و نقصان زیادی بروسیان رسید - در تاریخ (۲۴) لشکرمان روس بدو احوالات سخت لشکر ژاپون را حلو گرفته از آن بعد بجانب شمال در تاریکی شب فرار کردند

§ بتاريخ ۲۵ - سیصد و چهارده فرجرو حین (تاشیچو) را به (مکان) رسانیدند

(۱۳ جمادی الاول - ۲۷ جولائی)

§ روزنامه (یانر) می نویسد که وقایع نگار طمس لندن ظاهر داشته که تاکنون دست هزار عروج و بیچاره در لشکریان حمل (کرو باتکن) زیر علاخند

§ جهاز (داجی) که از امریکا بجانب مسکانگ و ژاپون میرفت جهازات جنگی (ولادی و دسک) روس او را گرفتار نموده اند

§ بحر (روتز) از (تکیو) خبر میدهد که سفیر انگلیس درباره غرق نمودن جهاز (نایت کادر) آغاز تدارک و تحفیفات لازمه نموده است

§ حارت انگلیسی درباره تصفیه امر و چگونگی حال کمال روسی را ظاهر میدانند

§ روزنامه (اسپرد) می نویسد که دولت انگلیس باید با کمال دقت نگران این مسئله باشد و مانعت شود که مات اتاسه درباره احوالات جهازات روسی کمال را اشتفتگی را درید

§ روزنامه (مارشک بست) مینویسد که حکمت عمل دولت و اصول و ذراتی سلطنت در این موقع خارج از اطمینان مات واقع شده است

§ روزنامه دلی تلگراف مینویسد - اگر چه مطابق مائل بجنبک نیستند ولی مرکز زیادتی در احوالات روسی و

بیلتی و خرابی مجهولات انگلیسی را تمام نخواهند نمود

§ وقایع نگار اخبار (یانر) از لندن مینویسد که غرق نمودن جهاز (نایت کادر) برخلاف قاعده و قانون بین الدول بوده و در این طایفه آنچه لازمه تدارک و تحقیق است خواهد شد

§ بموجب خبریکه شهرت یافته دولت انگلیس امر نموده است که جمیع جهازات جنگی او در هر مرکز که هستند تا حکم ثانوی حرکت نمایند - و نیز افسران بحری را که برخصت رفته اند همه طلب شوند و وظیفه خواندن اداره بحری همه نیز مستند باشند

(۱۴ جمادی الاول - ۲۸ جولائی)

§ خبریکه دیروز درباره استعداد اداره بحری انگلیس انتشار یافته بود ظاهراً بر اصل و بنیاد است و رسماً هیچ گونه تصدیق نرسیده

§ غبر (روتز) از (جیفو) خبر میدهد که بتاريخ (۲۵) کشتیهای موتک ژاپون دو بندر (آرتور) سه جهازات جنگی روس را از درجه دوم غرق نموده اند

§ جنرال (کرو باتکن) در مراسلات رسمی خود منباب جنگ (تاشیچو) چنین مینویسد - که روسیانی هجده فوج و ژاپونیان دو اردو بودند - توپخانه ژاپون با زده ساعت کامل مسلسل شلیک مینمود - شبانه در حالتیکه از توپخانه ژاپونی مانند تکرک کلوله مرگ مبارید لشکر بساطه ژاپونی بر روسیانی حمله نموده با اینهمه کاری از پیش بر بردند و لشکریان روس چهار نوبت با شمشیر بر ژاپونیان حمله کردند - جنرال کرو باتکن در این مقام تخایه (تاشیچو) و فرار روسیانی را ظاهر نداشته فقط همینقدر بیان نموده که حرکت لشکرمان روس بجانب شمال قرین مصاحبت شد و ششصد نفر مقتولین روس درین جنگ بشمار آمده است

§ بطریق غبر رسمی ظاهر میشود که لشکریان روس از (تاشیچو) فرار نموده اند - همه ژاپونیان بجانب هیاو جیک - و هیچنک پشتد می میکنند

§ دسته جهازات دریای مدیریته انگلیس بجانب اسکندریه روانه شدند

§ بموجب تلگرافیکه از (پترسبرگ) رسیده (مسیو) - پیه) وزیر داخله روس را در سربازار به پترسبرگ فارنچک در کالسکه او بقتل رسانیدند

§ اخبار اینکه درباره قتل وزیر داخله روس از آن بد
رسیده ظاهر میدارد که کلاسکی و اسپای کالسکه
نیز از صدمه نارنجک کشته شده کالسکه نیز قطعه قطعه
گردد و قاتل گرفتار شده است

§ وزیر داخله روس برای پیش نمودن بعضی
راپورت‌های لازمه بخدمت اعلیحضرت امپراطور میرفت -
نگاه شخصی از قهوه خانه بیرون آمده و يك نارنجک
بجانب کالسکه وی پرتاب کرد

§ جنرال (اوکو) سردار ژاپون بیان نمود که دو
اردوی ژاپون تعاقب اشکریان روس که دو ۲۵ هزار
کرده میبایند - اشکریان روس که از (تاشیچو) فرار
نموده (ایوکیان) را آتش زده که چون بقبضه ژاپونیان
آید منتفع از آن نتوانند شد

(۱۰ جمادی الاول - ۲۹ جولائی)

§ سیرل (اوکو) ژاپونی بیان میکند بموجب اقوال
افسرانیکه از روس اسیر شده جنرال (سخاروف)
که سردار دوم روس در اقصای شرق بود با جنرال
(کونزرتوویچ) در جنگ (تاشیچو) مجروح گردیده اند
افسران مذکور مقتولین روس را در آن میدان دوهزار
نفر مینویسند و آنچه بقلم آمده عمارت‌ها را اشکریان
ژاپونی نیز در جنگ (تاشیچو) قتل رسیده اند

§ جهاز (عریبا) را که چهارات روس گرفته در
(ولایه ولسک) رسانیدند

§ اعلیحضرت (ادورد هتم) پادشاه انگلستان علی‌الرم
تلگراف تمیزی منبأ قتل (مسیوینی) به وزیر داخله
روس نمودند - و نیز از جانب وزارت خارجه امریکا
(مستری) تلگراف تمرب به روسیهک زده شده است -
آنچه ظا میشود قال وزیر داخله روس بز مجروح
شده مگر زخم او مهلك نیست از اظهار نام خود ابا
و امتناع مینماید

(۱۱ جمادی الاول - ۳۰ جولائی)

§ مخبر (روتر) خبر میدهد که سی نفر
از رجال محترم اروپائی که یوم پنجشنبه بندر (آرتھر) را
رها کرد اظهار مینمایند که از روز سه شنبه در بندر
(آرتھر) جنگ شدید آغاز شد - و یوم پنجشنبه اشکریان
ژاپون لایوریش بسیار سختی بر قلاع بندر (آرتھر)
بردند - اثر توپخانه ژاپون بر قلاع بندر (آرتھر) بسیار

شدید و سخت بود و قلمه گیان روس از جواب عاجز
بودند

§ مخبر روتر از (ویهایوی) خبر میدهد که جهاز
خکی انگلیس که از بندر (آرتھر) وارد بندر
(ویهایوی) شده ظاهر میدارد که ژاپونیان قلاع بندر
(آرتھر) را خراب نموده گویا متصرف هم شده باشند

§ وقایع نگار روزنامه (پانیر) از لندن مینویسد که
مخبر طمس بطریق وثوق ظاهر میدارد که دولت روس
در جنگ کلوله‌های (دمدم) که از روی قوانین بین‌الدول
استمالش در محاربات - ول متصدنه ممنوع شده در
جنگ اقصای شرق بکار می‌برد

§ مخبر (رور) مینویسد که دسته جهازات (ولادی
ووسک) از یوناز (سوکارن) عبور نموده بطرف
(اطلان) میروند

§ از اخبارات رسمی ظاهر میشود که در جنگ بندر
(آرتھر) پنج افسر روس مقتول و چهل و یک افسر
مجروح گردیده اند درین جنگ نقصانات اشکری دولتهین
منخاصمین تاکنون معلوم نشده است

§ دولت اتانوی بطریق رسمی درباره غرق نمودن
جهاز (نایت کاندرا) که جهاز تجارقی بوده اعتراض نموده
مینویسد که این حرکت روسیان درباره جهاز مزبوره
برخلاف قانون بین‌الدول بوده است

§ جراند روسیه بالاتفاق می‌بویسد که در غرق نمودن
جهاز (نایت کاندرا) که اشیاء منوعه جنگ را برای
خشم شامل بود روسها عبور بودند - چرا که بردن
جهاز مذکور در بندر (آرتھر) و حبس نمودن
آن برای روسیان مشکل بود محال مینمود و جز غرق
نمودن آن هیچ جا نداشتند

(۱۷ جمادی الاول ۳۱ جولائی)

§ دو جهاز جنگی با يك کشتی ووشک که با نشان روس
بود از (کریت نایت) عبور و بجانب شمال در حرکت
بوده اند

§ بموجب خبریکه در (ایاویانک) رسیده در (هیچنگ)
بتاریخ بیست و هشتم شهر جاری بین سواران روس
و ژاپون جنگی سخت پیش آمده و صبح ۲۹ جنگ
شدید بوده است - و چنان تصور میشود که در آن نواح
جنگهای سخت پیش خواهد آمد

تبت

طاقبت حکومت هند حکم قطعی داده که کبیسون جنگی بجانب (لات) پای تخت تبت حرکت نماید در بالای (کباتزی) میگویند چهار هزار نفر تبتیان برای جلو گیری کبیسون جمع شده اند - ولی تدارکی را که اعضای کبیسون دیده جواب ده هزار نفر آنان را خواهد داد قلعو سنگ جلو توب سکروب چه میتواند کرد - میتوان گفت نعمت آردای تبتیان را ازین و بعد وداع خواهد گفت و مانند یکی از امرای هند تخت حکومت هندوستان خواهد آمد میگویند جماعتی از تبتیان فرار کرده در منچوریا آمده که شاید روس آنان را مدد نماید - مسلم است که چون حال لشکریان روس را در منچوریا ملاحظه نمایند ابراز خواهش خود را نداده عودت خواهند نمود

هنکازنگ

خیلی جای تأسف است که تجار ایران تاکنون ابدای بی مهارت خود نمی برد - تریاک ایران مسلم جهانیان است که بواسطه تربیت آب و هوا از تریاک غالب ممالک بهتر است و امروزه از قلب بعض تجار غیر محترم این مالالتجاره نفیس ما که از جمیع مالالتجاره های عالم به بول نزدیک تر است بقدری بی قور و بی قدر شده که به نصف قیمت تریاک منشوش هندوستان بفروش نمیرسد از بس درین باب خیرخواهان فریاد نموده خسته شدند خوب است دولت علیه ایران برای جلب منافع ملک و ممالک مثل حکومت هندوستان خرید و فروش این متاع را در داخله و خارجه بقینه اختیار خود بگیرد هم این تجارت بزرگ زمین مجبورد و هم در معادل آن طلا و نقره یا جنسی که باید در ازای آن طلا و نقره بده ایم وارد ایران میشود و بر ثروت مملکت همه ساله مبالغی می افزاید و نیز دولت هم از گزافه آن وهم از خرید و فروش وی مانده بر میگردد فائده دیگر این عمل آن است که چون آزادی خرید و فروش تریاک در داخله سد شود تریاک کشی در ایران معدوم یا محدود میشود و اگر اقلیم سبب ای دولت امروز دشوار باشد خوب است حکم قطعی بوزیرمرکات بدهد که ترک منشوش که مایه زمین خوردن این جنس در خارجه و بدنامی متاع مملکت و منسادی بی ثباتی مات ابرایه در ملل صائر است از حمل بخار منع نمایند شاید این توفیق جبرکی برخی تجار منقلب ما را هر آن عاده خاص متذکرین نماید

§ خبر (روتر) از (توسکیو) خبر میدهد که امیرالبحر (توگو) اطلاع داده که از تاریخ ۲۵ در بندر (آرهر) جنگ شد و سه نارنجک ژاپونیسان بجانب جہازات دشمن انداختند بواسطه غیر هوا نومه در نتیجه جنگ غیر معلوم است ولی خبران جینی خبر میدهند که سه جہازات جنگی روس از درجه دوم قطعه قطعه گردیده غرق شد

بوشهر

در اینمقیه حکمی از طهران از حضرت وزارت عظمی حسب الامر بدین مضمون رسید
در عموم ممالک محروسه ایران اصنافیه باید گرفته شود - اریام اصناف خواه تبه داخله خواه تبه خارجه چشم پوشی نباید بشود و این حکم اکیداً باید مجری شود جناب دریایی جمیع تجار و کسبه را حاضر فرموده صورت دستخط را قرائت فرمودند کسبه مهات خواستند تا مشورت کرده جواب گویند در حقیقت این مهات و مشورت جبی را مستند قبول کرد و بعضی هم تردد مستند لیکن آنها هم قبول خواهند کرد چه حکمی است بالمساوات بین خارجه و داخله

قرضه جدید حکومت هند

حکومت هند اعلان می ملبون رویه قرض داده بود هشتاد و شش مایون و پچاه و هفت هزار هررض داشت برای ادای آن از مات تقدیم شد و حال آنکه پیش از صدی سه نزیل نمیدهند این است معنی اعتبار هرگاه دولت نزد ملت خود اعتبار داشته باشد در مواقع لازمه بسیار کم عراج باستقراس از خارجه خواهد گردید مستحق رطایا مال دولت است

افغانستان

موجب نگارش اخبارات انگلیسی والا حضرت امیر افغانستان رای دائر نمودن چراغ برق در کابل و کار انداختن قوه برقیه را در کار خانات خود یکی از ماهرین این فن را از انگلستان طلب نموده عملاً قریب در عملیات آن شروع خواهد شد رجال افغانستان از استماع ترقیات ژاپون و شبیدن خبر فتوحات محیر العقول وی را بدالوصف بهیجان آمده اند و رفته رفته همین تصورات مورث ارتقاع مقام آنان تواند شد مشروط بر اینکه قطب جمع و خرج زبانی نباشد اقدام در عملیات قرضی نموده نمایند

جبل اللین

(مدیر کل کالج استریت نمبر ۴)

کلیه امور اداره

مدیر کل مؤبدالاسلام است

مختص اداره

آقا محمد جواد شیرازی است

هر دو شنبه طبع

(رویه شنبه توزیع میشود)

بشارخ هوشبه

(۲۵ جمادی الاول ۱۳۲۲)

مصادف با

فیت اشتراک

(سالانه - شش ماهه)

هند - و برمه

(۱۲ روپیه - ۷ روپیه)

ایران - افغانستان

(۴۰ قرآن - ۲۵ قرآن)

عمان - و مصر

(۵ مجیدی - ۳ مجیدی)

اروپا و چین

(۳۰ فرانک - ۱۷ فرانک)

روس - و ترکستان

۸ اکت ۱۹۰۵ میلادی (خریدار نباید قیمت اخبار را با حدی تسلیم نماید) (۱۰ منات - ۶ منات)

جبل اللین

سنة ۱۳۱۱

قل از دریافت نمودن قبض اداره

در این حریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و مباح دولتی و فوائد ملق بحث میشود

چون مراسلات تام الممه معبول و در انتشارش اداره آرادست

فهرست مداخلات

- سیاسی • وضع حرکات قشون روس در وسط آسیا
- خیالات وزیر اعظم انگلستان • جبل اللین
- تسکلیف مالا بطاقی • مکتوب از سماں
- مناقشه فرانس و بلژ روس • اغتصابات داخله روس
- تهذیب اخلاق • اداره احتساییه و مجلس نرخ طهران
- هریستان • مکتوب از طهران • مکتوب اترلی
- قزوين • اصلاحات حدیده • اجازات خارجه
- امتحانات مدرسه نوروز • تکرافات • تاس

سیاسی

اگرچه امروزه موضوع بحث عامه سیاسيون پیش آمد معاملات شرق اسی و نتیجه جنگ روس و ژاپون و طاقت آست - ولی نهار دهان انگلیس و روس که همه روزه در از دیاد است خصوصاً از بعد انکشاف نقشه که جنرال کرویاتکن کشیده و امضا داشته و دستور العمل برای حمله بر وسط آسیا داده تکدر ملکه عناد دولتین مشارالیه را پیش از آشکارا ساخته و میسازد و اندک اندک روسی کرده و میباید - اگرچه از انکشاف خجسته اهم جده هفته گذشته ولی چون تاکنون سمیت

رسمیت پیدا نکرده بود چنان تصور میکردیم که قلم در کتب دشمن است و جرائد انگلیسی بر عباد روسیان عوانرا موضوع بحث داشته اند - از آن رو مدعا را ترجیح آن صرف نظر نمودیم - اهمیت این مسئله واتی بالا گرفت که شخص اول انگلستان مستر ناپور صدر اعظم در دارالشورای ملی این مسئله را موضوع بحث قرار داده و در چگونگی این خیال پلنکی که نانی ارجنتر (کرویاتس) وزیر جنگ و سپهسالار میدان اقصای شرق شده است سخن را بد

در اینجمله راجع بایران بود - برای آگاهی ارباب حد و عقد و اطلاع عامه اهالی از معاصد مکتوبه دایه گان مهربان تراز مادر این هفته در عوس مقاله سیاسی بدوح آن اکتفا مینمایم چه آنچه را ما مینویسیم از شرق باشد یا غرب از چین باشد یا ماچین همه مبنی بر نخبه انشاء وطن و بیداری آناست و این مسئله برای ایرانیان ارا عظم مسائل سیاسی به شمار است ما خیالات خودمان را در این باب بموقع خود طاهر خواهیم داشت

پوشیده نماید که این عوان بدون هیچگونه تصرف با رعایت الساط لفظ بلمط ترجمه شده - و چون از زبان روسی بانه انگلیسی و از انگلیسی به فارسی

آمده املائی اساسی بعضی مقامات تغییر جزئی پیدا کرده .
نقشه فارسی که حاوی جمیع این مقامات باشد نیافته و
نقشجات انگلیسی نیز دارای همان اشکال اند ناچار اسم
بعضی از مقامات را بهمان قسم که در انگلیسی بود بفارسی
املا نمودیم و چون ضروری بمقصود اصلی وارد نمی آورد
و غلطی در مفهوم وارد نمیشد از تجسس و تحقیقات
کافی صرف نظر شد

دستور العمل جنرال کروپانکن در حمله روس
(بروسط آسیا)

(ترجمه از روزنامه دیلی اکسپرس لندن)

(۱) نخستین منزل مقصود در این حمله هرات - میمنه
بلخ - بدخشان باید باشد . و دومین مرحله آن کشمیر -
قندهار - و کابل

(۲) در مقابله ما با انگلیسان در وسط آسیا شبهه نیست .
ازینرو پیشقدمی را روس باید در وسط افغانستان قرار
دهد - این میدان بدو قسمت منقسم خواهد شد
اول ختم خواهد شد در قبضه هرات و میمنه و
بلخ و بدخشان -

دوم بعد از دو سال آرامی اشکر و استقامات لوازم حرب
استیلای بر کلیه افغانستان و این جنگ خاتمه خواهد
پذیرفت از تصرف کشمیر و قندهار و قبضه بر کابل
(۳) چون در میدان دوم لشکریان روس
مقتضی المرام گردند در صدی بیجا قوت انگلیسان در
آسیا کاسه خواهد شد و در داخله هند بریشان خواهند
گردید - لذا پیش قدمی سوم لشکریان روس در سرحد
هند تراید بود - بعد از جنگ دوم برای انگلیس در
هند بلوای سال (۱۸۵۷) تازه خواهد شد فرق همین قدر
خواهد بود که در آن زمان غنیم خارجی برهند حمله
نداشت - پس میتوان یقین حاصل نمود که از داخله هند
طرا مدد کلی خواهد رسید

کلید فتوحات وسط آسیا

(۴) جنگ باید در (میمنه) آغاز شود چه (میمنه)
بهترین ماسبت جنگ را برای فتوحات وسط آسیا دارد -
فتح میمنه قبضه بر خراسان است چه مشهد برای
مهمات عسکری ما بسیار مفید و منتاح فتوحات وسط
آسیا شناخته شده و همین قدر که ما مشهد را فتح
کردیم گویا کلیه ممالک وسط آسیا را مسخر کرده ایم . فتح

مشهد نیز برای دولت روسیه چندان اشکال ندارد
برای تسخیر و تصرف مشهد بر ما لازم است که
علمای آنها را فرشته خود سازیم تا محبت ما را در
قلوب عامه جای دهند و مردم را از برآشفتگی آرام
دارند چه مسلماً تسخیر مقام متبرکی مثل مشهد که مانند
قبله اسلامیان محترم است برای یک دولت خارج از مذهب
اسلام باوای حاصل نشود و کلیه مسلمانان سعکوت
اختیار نمایند مگر بفریفتن رؤسای روحانی -

هرگاه ما بدون اینکه مملکت خراسان را مطلع و منقاد
خود ساخته بر افغانستان حمله نمایم اقدام در امری
اندیشناک نموده ایم . اگر ما قبل از تصرف خراسان حمله
بر هرات نموده قبضه نمایم - مسلماً در کارشکنی ما خصم
خواهد کوشید و بنام مذهب اهالی را بر مخالفت ما خواهد
برانگیخت در آن صورت خیالات ما باطل و دچار مشکلات
عظیمه شده همان حلقی را که جنرال (گاردن) و قشون
انگلیسی در خرطوم حاصل کردند ما را پیش خواهد آمد
هرگاه ما بدو در قبضه مشهد و تسخیر
قلوب علمای آنجا غفلت نمایم باغوای خصم مسلمانان
آن نواح برخلاف ما علم جهاد بلند خواهند نمود -
بواسطه بقعه متبرکه رضویه ایرانیان بزود و افسانان
منتصب و ترکمان جسور و باشندگان بخارا بر مخالفت
ما برانگیخته خواهند شد - و بعید نیست که اهالی آذر
بایجان نیز با احترام این بقعه متبرکه با آنها متفق شوند .
در آن صورت یقوت ما باید در دو مقام مستعد جنگ
و مدافعت شویم - اسگرچه بواسطه عدم استعداد
ایرانیان طاقت ما فتحیاب میشویم ولی بهتر اینست
که انجام کارها به تدبیر شود و جنب قلوب چندین
ساله که ما از ایرانیان نموده ایم مدد نرود و بدل
بدشمنی نگردد - چه بتألیف قلوب اهالی مقاصد عمده
خود را ما از دست برده و میتوانیم برد

راه اعمال دولت ایران

(۵) لشکریان روس که کطرف پیشقدمی بایمان
مشهد و از طرف دیگر بایمان و سیلان و
طازندران را مسخر و از آن بعد خراسان و ممالک
مذکوره را بایسکدیگر متصل بایم نمود - پیشرفت
این مقصود بدین عنوان تواند شد که در دربار ایران
اول به سستی و سستی خواهش شود که چون دهذانه

از روسیه برای مشهد زائرین زیاد می آیند و غالباً فارسی نمیدانند - برای آسایش و حفظ حقوق آنان مناسب است که دولت روس از جانب خود قاضی و شیخی را در خراسان منتخب نماید تا آن شیخ و قاضی حفظ حقوق آنان و داد رسی ایشانرا بنماید و مراعات کوچکشان را تصحیح کند - چه بوثوق پیوسته که بنوع شایسته حقوق رعایای روسیه در مراعاتی که بواسطه حکام فارسی زبان و علمای بی بهره از لسان شده رسیدگی و مراعات نمی شود

پس از حصول اجازه از دولت ایران و انتخاب يك نفر عالم و قاضی از طرف خود در خراسان آن بدنامی که انگیزه ها بواسطه اشخاص درویش نما از عداوت روسیان بر اسلام در قلوب اهالی جای داده و میدهند دفع و رفع تواند شد - اگر ما از روی مال اندیشی نگران اینگونه مردم درویش نما باشیم که حامی و طرفدار و از طرف دولت انگلیس اند - هیچگونه کاری آنانرا از پیش نرود - جای تأسف اینجاست که نمایندگان روس در ایران جز آرام طلبی و راحت خواهی هیچ ندارند و ابداً اندیشه در فکر آینده روس نمی نمایند

(۶) در انتخاب شیخ و قاضی برای خراسان که تحریک کرده ام باید بسیار دقت شود که شخصی قابل باوقاف - محب روسیان - و باطناً هوادار بابتیک آنان اختیار آید برای این خدمت مهم - بعقیده من شیخ الاسلام نقیص امروزی خیلی شایسته و سزاوار است - مشارالیه همین که چندی در خراسان توقف نمود و با علمای آنجا خلط و ملط شد میتواند مقدمه پیش قدمی ما را در مملکت خراسان فراهم کند - مملکت وسیع تحت حکومت مشهد است و جمیع دهات و قراقره آن نواح وقف مقبره اطام رضا میباشد و در دست جهات آن استان و علمای آن دیار است چون به بلاد مشهد فرشته ما شوند سیورسات کافی از دهان تمام مسلمانان و مسکریان روس میتواند رسید

که از جناران مشهد و از مشهد تا تربت شیخ جام همه وقف بقعه ~~مشهد~~ و بقعه علمای و خدام است همین قدر که علمای بگویند دشمنی با اسلام روی آورده جمیع اهالی آن نواح از خانه خود دست کشیده با سیورسات

کافی دو بمشهد می آیند چنانچه در جمله برتر کثرت هماره حادث و شیوه آنان بر این بوده است

اقدامات ابتدائی و مقاصد موضوعه

شک نیست که انگلیسها دستگاه رسائی برای طرفدار ساختن علما از خود و اغوای آنان در ایران دارند - لذا در هیجان علما بر مخالفت ما با منتهای محضت و سرعت اقدام میتوانند نمود چنانچه امثال این واقعات زمانیکه بین روسها و انگلیسها مخالفت و ضدیت بود خیلی دیده شده است - در ایران خاصه درین مقاطعات حکم و الی مملکت و فرمان فرمای صوبه و لو باطناً هم با ما متمق باشند مفید نیست - بر عکس اگر علمای مشهد طرفدار ما شوند کلیه مقاصد با منتهای سهولت بر وفق مرام تواند شد - لذا عقیده من بر این است که هر تدبیر ممکن شود علمای ایران خاصه نواح خراسان را زمین امتداز و هوادار خود باید قرار داد

(۷) حرکات قشون ترکستان ازین قرار باید باشد - اولین حصه آن اسجنت - اندیجان - مرغلان - کوهکند - کوهجند - اراتیب - و سمرقند را متصرف شوند - و سواران این حصه قشون به نگرانی سرحدات منتخب گردند - پس از آنیکه يك حصه لشکر به جانب باخ و بدخشان روانه شد بین راه مقامی را برای ساختن باروط باید مهیا داشت و برای باروط سازی قطعه محض قشون بین سمرقند و باخ شهر سبز یا دواز - و شیر و است - مناسب می نماید - و هرگاه ممکن شود در سرحد گوشه گذر نیز يك باروط سازی کوچک در قرب بشرکسر ودیشی تر که در ساحل رودخانه آمو و نزدیک دره کامدار گذر واقع است مهیا شود

عبور و مرور از کامدار گذر و گوشه گذر باید بذریعه جهازات کوچک (که در رودخانه آمو انداخته خواهد شد) باشد

(۸) هرگاه بواسطه بارندگی و برف زیاد طرق آمد و شد در آن نواح سد شود ما را لازم است که جمیع راهارا بحال خود گذارده بیست و پنج هزار قشون از راه سمرقند حرکت دهیم

وضع حرکات قشون روس

(۹) در وسط آسیا

(۱) بد از آنیکه قشون ما بلاد واقعه در نواح

فرمانه که مرغلان - کومکنند - کومجند - اراتیب -
غیره باشد - منصرف شدند باید فوری از پیش قدمی
قاصد ورزید و تا یک اندازه خوشی اختیار نکرد و
ناطناً سه واستمداد لشکریان (کاشغر) را برای داخل
شدن در افغانستان باید دید بعد از جنگهای لازمه - تا
آنکه حین ضرورت بدون مانع لشکریان ما بتوانند از
کوه (الان) و (بامیر) عبور نموده اهالی آن نواح را
مطیع خود سازند و لشکریان انگلیس را در ماه رایی
بامیر در مقابل ما خود طلب نمایند

(۱۰) از آن بعد قشون ترکستان در ممالک بدخشان
(هندوکش) و نارسد به مانع باید برآکنده و منتظر
نتیجه جنگ (میمنه) باشند

(۱۱) حصه دوم قشون روس باید از سواحل
دریای خزر حرکت کرده میمنه - مرغاب - ذوالفقار و
اطراف هررود را بگیرند

از آن بعد دوم، مرکزی و قلب لشکریان روس
احاطه خواهد نمود بر دره اردوان - کوشک ماده
تسرت با ما را - در آنوقت قشون ما گذر خواهد نمود
از دره خومبان که اسکند اعظم نیز از آن دره گذشته
است سپس قزاقان روس و سواران ترکان و اطراف
هررود دسته دسته معین باید کرد و بجانب (تبول) و
(کوران) روانه باید نمود - چون لشکریان روس از تسخیر
این مقامات فراغت نمایند بجانب (غوریان) حمله خواهند
کرد - ازین بیانات ظاهر گردید که مرکز اصلی و مقاصد
قوتحات - وسط آسیا محاکت - راسان است که خیلی
مدت است و تدارک باید صرف تسخیر و نگاهداری آن نمود
خاصه مقامیکه این طرف و سزوار واقع شده اند که
ششمن گاه نیز طوائف تیموری میباشد - از آن بعد
جماعتی از قزاقان را با توپهای سکوهی باید مأمور
بجانب ذوالفقار و سرخس نمود تا از هر دو جانب حلقه
احاطه ما منتهی به ترتیب شدید حاص شود و در آنجا قشون
روس ملحق بیکدیگر شده از اردوئی که در ذوالفقار
موجود خواهد بود باید بجانب راست ترتیب رهسپار
گردد - و لشکریان سرخس طرف مشهد - این دو اردو
تا هم پوزله توام حرکت کرده از آنجا به سوی باجقزاقان
روس و سواران ترکان طرف قشون و دو تات دیگر
بجانب (خیسو) که در سواحل خواهد شد

(۱۲) بعد از آنکه آنها از سوی اقتاد بلذون
ایران معاهده منقاس باید نمود که از روی آن معاهده
تجهیزات تجارتن انگلیس جز بندر بوشهر بجای تبرک
نخواهند عبور نمود - و جهاز نباشد انگلیسان جهازات
تجارتی خود را از بندر که در خاک عباسی واقع است
بگذرانند - درین صورت پاستبان سرحدی ما نقطه دو
طریق را باید نگهبانی نموده حفظ نمایند - اول بجهت
پرسند و دیگر (نجون) تا اینکه از طریق فرخ آباد
و سزوار سلسله عبور و مرور قطع و مدد رسانیدن
بجانب جنوب معدود گردد -

سپس ادارت پاستبان سرحدی را اختیار بدهد که اگر
مفید بیند و ممکن و اندر سرمایهای هزارت و چند هزار را نیز
نگهبانی نماید - چون از بعضی مراتب فراغت حاصل نمودیم
اردوئی از سیستان مرتب بگردم بجانب قندهار حرکت
داده تا لشکریان افغانی و انگلیسی را باز جاسر داریم

(۱۳) از جهت حملات سخت حاکم لشکر طرا پیش
خواهد آمد و - همبوراً باید برداشت تا نیم یکی - حلقه بر
دره همک (پیروبان) است که با تمام قوت خود بیده
نایم و این حلقه موفق خواهد بود که قشون بطارد را رضی
مرغه و جبال شامخ پیش قدمی نموده باشند

(۱۴) دو صورتیکه دروازه هرات را بروی ما به
بندند مقتضی موقع آن خواهد بود که فوراً بخدمت از
تصرف پوشیده بحالت محاصره اش باز گذاریم - و این
محاصره بدین قسم باید باشد که برتبهای جنوبی توپهای
کوهی را نصب کنیم و قشون بیاد ما بجانب جنوب شرق
هرات بود و قائم نمایند و بر تپه های شرقی استیلا
یابد بهر صورت در چنین موقع محاصره هرات
برای روس از داخل آن اولی و نسبت خواهد بود
و نیز در این حال مجرای هررود را باید سد نموده
گردانید و برای اجرای این مقصود دست از روز بهتر
است

محاصره هرات با این شرح باید بر نیگا - وقت
در پیش خواهد داشت - از آن بعد حالت قشون ما در
کابل - سمت و قوت جخواهد بود - و قشون را خواهیم توانست
بذریه توپخانه های قلعه کوب کابل در منتهای مرز
فصلاً امر محاصره کابل بکنیم - این محاصره هرات طرف
استیلاست که قشون را کابل و قندهار برای موعود

ساختن خصم میاهوی زیاد اندازیم

بعد از آنکه هرات را لشکریان روس متصرف شدند حکومت عمیه آن را باید بیکی از رجال روس سپرد و باقتضای موقع باید با حالت صلح و سلم با اهالی سلوک نمود - بعد از فتح هرات هرگاه افسانان آن نواح را طرفدار خود دیدیم جماعتی از آنان را بجانب قندهار باید رهسپار نمود و برای حفاظت و نگرانی حرکات این اردو جی از ترکمانان را باید برانگیخت (۱۵) قشون ذخیره را باید به تعمیر راه آهن سمرقند و بخارا و مرو و عشق آباد، امور ساخت تا هم راه ساخته شود و هم در وقت ضرورت بتوان بمسکر حاضر ساخت و از قشون و سیورسات بادکوبه حاج ترخان (آرنگ برک) و غیره بمدکلی اردوی و - ط آسیا حاصل میتوان نمود - قزقان (پورل) را در (ارنگ برک) جمع باید نمود و نیز از (تاریک) و (کوبان) که واقع در (بترواسکه) است و حاج ترخان و بادکوبه نیز قشون کمک باید فرستاده شود

(۱۶) لشکریان را بدو قسمت باید متقسم نمود حصه را بجانب هرات و حصه دیگر را بطرف میمنه باید گسیل داشت و نیز یک اردوی مرتب کاملی باید بجانب بامیر فرستاد و یک جماعتی را نیز از قندهار و هرات گسیل داشت

انتظام رساندن سیورسات و

(اثر لوازمات لشکری)

(۱۷) کمیسیون خاصی را برای رساندن سیورسات و اثر لوازمات لشکری در مرکز باید - امور نمود و بر اعضای آن کمیسیون لازم نمود تقصیر برای رساندن سیورسات و غیره که در مرکز بطریق سهولت مرتب نمایند تا در وقت خود - نظماً لوازمات بقیعون برسد - این امر چندان لازم به بحث نیست چه در حین ضرورت تصورات لازمه را کمیسیون خواهند نمود از آنجائیکه راه آهن ماوردی بحر خزر در چنین موقع کافی از برای حرکات قشون و حمل اقبال و سیورسات و لوازم قشون نتواند بود - لذا طرق استرآباد و خراسان را باید تحت نگرانی بگذارند چه ازین طریق بنویسه سکاژوان سیورسات کافی از بجای بجانب دیگر میتوان فرستاد - خصوصاً سیورسات قلب

لشکر را نیز باید ازین طریق روانه نمود و از مشهد بذریعه راه شوسه و تراموه که تدارک خواهد شد (راه شوسه تدارک شده و برای راه تراموه نیز سعی مستند) حل باید نمود

رئیس اداره سیورسات البته تلفات این نمکته خواهد بود که در خراسان و مرو گندم کافی موجود و کفایت اردوی مرکزی را خواهد نمود - با این همه سیورسات خانه و ذخیره جبهه خانه و قورخانه عشق آباد را نیز باید خیلی مراقب بود و منظم نگاهداشت انتظام - سیورسات لشکریان بدین منوال باید باشد - برای لشکریان حوالی سرخس - سرخس - برای اردوی خراسان (مشهد) - بجهت لشکریان نواح مرغانت پیچده - برای افواج مرغجس - دوشک - و نیز خاف و خرمان را سیورسات خانه مرکزی باید مقرر داشت برای کلیه ممالک خراسان

(۱۹) این نمکته را نیز باید از نظر دقت دور نداشت که در تربت و خاف انبارهای مختصر برای ذخیره گندم کافی تواند بود - چه پس از تسخیر هرات سیورسات خانه مرکزی وسط آسیا همان هرات باید مقرر باشد (۲۰) برای رسانیدن اخبار و اطلاعات زاردوهای جزء جی از ترکمانان را باید مقرر نمود چه برای این خدمت مقابلهت نامه دارد

مقدمه الحیش

در مقدمه لشکر قشونی که لازم است شامل باشد ده هزار پیاده و سواره از افواج ترکستان با توپخانه کافی ازین قرار (۱) یک توپخانه میدانی برای قشون پیاده (۲) یک توپخانه کامل برای افواج سواره (۳) سه توپخانه کوهی از اردوی فرغانه پنج هزار سواره و پیاده منتخب - از قشون طوورای بحر خزر دوازده هزار سواره و پیاده با توپخانه ازین قرار (۱) یک توپخانه پیاده کامل (۲) یک توپخانه کامل سواره (۳) نیم توپخانه کوهی این تدارک برای قلب لشکر کافی است

برای میسر لشکر

قشون مرغب - میمنه - پیچده - از سواره و پیاده سه هزار نفر با توپخانه کافی بدین قرار (۱) دو توپخانه پیاده (۲) دو توپخانه سواره (۳) یک توپخانه کوهی

برای میمنه لشکر

قدون خراسان با سواره ترکان هشت هزار با توپخانه کافی قرار ذیل (۱) چهار توپخانه کافی میدانی (۲) دو توپخانه کامل کوهی

(۲۱) و نیز بجهز سواره با توپخانه کافی ازخاف بجانب بزوار باید روانه نمود - و هزار سوار برای مگرانی و باستانی - و نیز ازخاف دو هزار سوار و دو توپخانه کامل باید بجانب کوشان روانه نمود - و برای مگرانی و کک و محافظه قشویکه بجانب خاف فرستاده میشود لشکریان تاشقند و سمرقند و بخارا باید مستعد باشند و نیز در سرخس و مرو اردوئی از قشون ماورای بحر خزر را باید مرتب نگاه داشته مستعد حرکت نمود

قشون دخیره سی هزار نفر مقرر باید داشت که منجلا آن هفت هزار سواره ترکان باشد

(۲۲) من بهتر میدانم که این جنگ آغاز شود از نومبر ماه چه در آن فصل اگرچه غالب بنادر روس بواسطه انجماد دریا مسدود است ولی معتدلترین موسم برای پیش قدمی لشکریان است

(امضا - کرویاتکن جنرل)

خیالات وزیر اعظم انگلستان

درین هفته (مستر بلور) صدر اعظم انگلستان در دارالشورای ملی منباب پیچیدگی معاملات - سرحدی هند که ناشی از انتشار نقشه جنرل کرویاتکن است چنین تقریر نموده

من سرتاسر دارم که محافظه و اطمینان از معاملات سرحدیه هند برای دولت انگلیس وقتی حاصل خواهد شد که طرق ممالک سرحدیه سهل‌المرور و حمل مهیات لشکری سهل‌الوصول شود در این صورت روسیان را که شاید دشمن مابیند موقع هیچگونه دشمنی پیش نخواهد آمد و این مسئله را یکی از مهمات مهمه و نکات معظمه جنگی باید تصور نمود -

این نکته را باید دانست که حکمت عملی و سیاست دولت انگلیس هرگز رضا نمیدهد و ساکت نمی نشیند ممالیکه امروزه حد فاصل بین روس و انگلیس واقع است اندک اندک در قبضه روس آید - آری زمانی بود که خوف حمله روس سخت بر وسط آسیا معرفت ولی

آن دولت روسیکه خوف از حمله او بود امروز نیست دولت روس يك شعبه راه آهن خود را بسرحد افغانستان متصل نموده و در صدد است که شعبه دیگر راه آهن را نیز بسرحد دیگر افغانستان وصل نماید (مستر بلور) در دارالشورای اعضا را متنبه ساخت که همه متذکر باشند که بحث وی در معاملات جنگی است از آن بعد بیان نمود

امریکه محل خوف میباشد این است که مسلمان روزی می آید که ما با همایگان امروزه خود مصادف شویم - و این خوف و تصور برای هر قوم که ممالکش متصل بسلطنتهای مختلفه واقع شده باید ساری باشد و بداند و تصور کند و تدارک نماید که لایحه روزی پیش خواهد آمد که با همسایه خویش بجنگ اندر آید

مستر بلور در آخر نطق خود اظهار داشت که این معاملات و حرکتیکه دولت انگلیس در سرحد شمالی و مغرب هندوستان در پیش دارد برای مدافعه است نه تجاوز و از این اقدامات دولت مشارالها را قصد تجاوز از سرحد نیست حرکتش حرکت تدافعی است

جبل‌المتین

مقصود از ترجمه تحت‌الطریق این عنوان فقط اقباه رجال دولت علیه ایران است و بس - بیرون آوردن نتیجه از خیالات دو همسایه بانفکار طالبه ایشان مرجوع است - ما نیز در موقع خود عقیده خویش را تقدیم خواهیم نمود - و از رجال محترم سرحدیه نیز مسائلت داریم که خیالات خودشان را پس از قرائت این عنوان و تحقیقات کافیه رجال دربار دولت دولت متبوعه خود تقدیم نمایند و هرگاه امری که مفید بحال عامه و منافی با سیاست دولت علیه نباشد به نظرشان آید برای انتشارش صفحات **جبل‌المتین** موجود و حاضر است و نیز از و کاتب نگاران و معاونین با بصیرت و سیاست اداره مقرر شدیم که طرا بخيالات طالب خود در این موارد مخصوصه تأیید فرمایند - همین که آمده برده جهالت و تعصب مرتفع شود کشف حقیقت تملیقات یازده ساله **جبل‌المتین** خواهد شد - چنانچه تاکنون بسیاری از مسائل خامنه مستوره که در نامه مقصود موضوع بحث

ده کف شده و ازین و بعد پیش از پیش خواهد

تکلیف مالا یطاق

از امثال مشهوره ایران (آفتابرا با گل اندودن) است . این مثل امروزه بر صلوک همسایگان نسبت با ما صادق می آید . که میخواهند بشرق دست از درك مضار و منافع خویش مان بزدارند . و حال آنکه عالم ن رده جهالت و توحش را حق در وحشیان افریقا چاک زده و بربری زادگان وحشی تژاد بر مضار و منافع خویش نا اندازه واقف گردیده اند . ما نمیگوئیم که ایرانیان مانند سایر ملل تمدنه بی مضار و منافع خود برده و از نیرنگ بازیهای فرنگان کاملاً واقف گردیده اند ولی نسبت بده بیست سال قبل اندکی برخیاالات همسایگان و پلتيك آنان بی برده و تا درجه دوست و دشمن و ضرر و نفع خود را میفهمند . نهایت این است که تاکنون در جلب منافع خود و رد مضار خویش اقدامات مجده نه نموده و یا بواسطه مواع خارجی و داخلی نتوانند نمود شاید بتوانیم گفت آزمان که از سلك همسایگان و پلتيك آنان تا ساطهای دراز ایرانیان مطلع نمیشدند زمانی دیگر بود . و امروزه هرگاه امری بر قوم جاهلی نیز مستور ماند ساز رقباى با فرهنگشان طشت را از بام انداخته مدعی را طبعاً با حبر میبایند

میگویند نادر شاه زمانیکه در جنگ روم شکست یافت میرزا مهدبخان گفت خورشکست ما را با بران داده تا سرداران و حکمرانان نیه قشون دیده بکمک ما فرستند . میرزا مهدبخان بکنایه و استعاره منشیانه نوشت اندک چشم زخمی بساگر منصوره نادری رسیده . چون بحضور نادر رسانید بر آشته گفت آفتاب را با گل اندودن نتوان کرد بنویس نادر را شکست فاحش رسیده با آن ددبه نادری فرار اختیار نمود

بالفرض چهار نفر بقال و قهتاب و ادانی باس در ایران شکست نادر را ندانند . بر نایندگان خارجه و رجال بزنگی که مصدر جور و ستمندى همه قسم نفوذ اند نمیتوان امر را مشبه نمود . بارها نوشته ایم آفتاب شکاره زیرا بر کدر نماند حق مردمان کور که نور آفتاب را بین مشاهده نمیتوانند نمود طلوع آفتاب را از صورت گرمی محسوس نمیدارند

یکی از شعرا در کتاب لیلی و مجنون نیکو سروده

(اگر با دیگرانش بود مبلی)

(چرا ظرف مرا بشکست لیلی)

هرگاه خیالات همسایگان درباره آینده ما منشوس نیست چرا سی میبایند که تنها ما از ضعف و خستگی آنها با خبر نباشیم . چرا دوستان حقیقی خودشانرا از کسب اطلاعات موحشه باز نمیدارند و منع نمیکند که آن حالات مدعش را در انظار عامه مجسم نمایند

میگویند حاکم بر اقتداری بیکی از محکومین خود حکم نمود نه بین . دستها را بروی چشم نهاد . نشو . انگشتانرا در متمر گوش گذارد . همین که گفت نفهم جوابداد از قوه اطاعت من خارج است . همسایگان ما نیز باید تصور نمایند که تکلیف نفهمیدن بملت ایران امروزه دشوار است تا جائیکه باید نفهمند نفهمیدند . امروز اوضاع عالم و لطات زمان آنرا با کمال شدت بفهم سوق داده (چاره جز پیرهن دریدن نیست)

مکتوب از سمنان

تفویض حکمرانی سمنان و دامغان بجناب حلی اعتمادالممالک اسباب همه قسم امیدواری اهالی اینولا شده امید که عنقریب روح مفاسد و اسباب رفاهیت فقرا فراهم آید . اهالی اینولایت با اینکه بچودت فطری و زکات ذاتی موصومند معینا غالب افراد بواسطه عدم تربیت فطرت مادی را از دست داده در زمره وحشیان محسوبند و علت این امر جز پریشانی و فقر که ناشی از بیکاری است چیز دیگر نبوده و نیست . در این اوقات که میرزا اسدالله خان منصور السلطان بریاست پست مأمور و بدیجا نزول نمود فطانت اصلی اینان و فقدان لوازم تربیت را مشاهده نموده باقتضای غیرتمندی و وطن پرستی و نوع دوستی با اتهامات کامله و اقدامات مجده بتصویب عقلای این بلد و اجازه علای مال و رخصت و امتیاز دولت مدرسه موسوم بمدرسه (ادب) احداث نموده که باسلوب مدارس جدیده دارالخلافه طهران اطفال مسلمین در اینجا تربیت شوند و همه روزه اول در علم قرائت فصلی را پرداخته چند آیه از کلام الله الحمید تلاوت نموده پس از آن بسایر تکالیف مقرر در این قبیل درس عربی و فارسی و فرانسه و جغرافی و حساب و هندسه میرداند . از بدو باقتتاح این مدرسه تاکنون

که قریب دو ماهست با اینکه اینکار ضعیفی نداشت بر
متحذین ظاهر شد که نسبت اینمدرسه با مدارس دیگر
در ترقی اطفال یکی بسد است و این معنی چنان
اسباب نام پدران فقیر بی استطاعت و بیقراری اطفال
با غیرت گردیده که بوصف در نمی آید. اکنون که عدد
شاگردان بالغ بشصت است نصف از آنها بعنوان جهانی
تربیت میشوند باینمندی که حکمران معظم و شخص مدیر
مخارج ایشانرا بر ذمت همت خود گرفته اند گویا اگر
غیرتمندان و اغنیای وطن همزین همی دریاورد فرمایند
و هر یک مخارج چند نفر از فقرا را متحمل شوند که
آنان بجای مسلك ادب و دانش را بیابند - با این
باب خبر که خیرش عمومی است باز ماند و سودش
از هر خیرات و مبرات بیشتر باشد

مناقشة فرانس و پاپ روم

رئیس جمهوری فرانسه (سیلولوبه) در مجلس
مبعوثان طلب شده ازین رو پروگرام بلوک گردی خود
را تبدیل داده است - علت این امر هرآینه مناقشة
میباشد که بین (پاپ) روم و دولت فرانسه پیدا شده
و این مسئله اندک اندک اهمیت پیدا کرده بشاجره
رسیده. این است که رئیس جمهوری در مجلس مبعوثان
طلب شده عاقبت از مجلس مبعوثان حکم شد که ترک
تعاقبات رساله را با (پاپ) باید نمود و نماینده (پاپ)
را وزارت خارجه فانس حکم فرستاد که توقف شا
ازین و بعد در پاریس مناسب نیست. برخی را عقیده
براین است که چون دولت فرانسه را با دولت ایتالیا
بنای اتحاد و یگانگی است مخالفت و معاندت با (پاپ)
را قریب صواب و صلاح دیده علاوه بر این فرانسه
آزادی طلب شده ریاست روحانی پاپ را قبول نمی نمایند
و این خیال رفته رفته از فرانسه جمیع اروپا سرایت
کرده ریاست رؤسای روحانی را منهدم خواهد ساخت

اغتشاشات داخله روس

(سیبودی یبه) وزیر داخله روس که بقتل رسیده
از مخالفین آزادی طلبان بود چنانچه حسبالمشوره او
(کونت توکستوی) را که بشرح نگارشاتش در اخبار
بمسئولین چند هفته قبل اشاره رفت از روسیه خارج
نمودند این مراتب انقلابات عظیم روسیه در داخله
ظاهر میدارد که جمیع حکام و ولات و رجال دربار

مخوف و مرعوب شده اند. بموجب خبریکه از (پترسبرگ)
رسیده در قتل (کونت مورادیف) که امروز رکن
رکن سلطنت شناخته میشود جماعتی هم عهد شده اند
مشارالیه وزیر عدلیه روس است بوم پنجشنبه گذشته در
حالتیکه بملاقات امپراطور معرفت در سر بازار برکاسکا
او با سنگ حمله نموده شیشه های کالسکه را شکستند
ولی صدمه بروی وارد نیامد اهالی (فنلند) خیلی برآشفته
و مخوف اند و حکام روس مخفیانه بزرگان و رؤساء قلندرا
گرفتار کرده حبس و جلای وطن میدهند و ازخوف
اهالی این واقعات را مستوره دارند فعلاً (سیبودی)
که نایب وزارت داخله بود کارهای وزارترا انجام میدهد
معاون سمیر روس دریای تخت چین که در (کلبو) رفته
بدون جهت بقتل خویش مبادرت کرده

صرافان فرانس و پاپ روم رضا داده اند که هشتاد میلیون
فرائک بدولت روس قرض دهند مشروط براینکه دولت
مشارالیه خساره هاییکه ناکنون به ملت یهود وارد آورده
منظور نماید و ازین بعد یهودیان را در مملکت خود
آزادی بخشند و حقوق آنان را با ملت روسیه مساوی
قرار دهد دولت روس نیز چون ابواب چاره را مسدود
دیده بدین شرایط تن در داده است

(گراند دیوک پوریس) که در اردوی اقصای
شرق در تحت حکم جنرال (کروپاتکن) عهدت سرهنکی
دارد و از شاهزادگان جلیل القدر روسیه است بمناسبت
میل مفرطی که بمعشرت زنان دارد جماعتی از عورات
را محبت خود در اردو آورده بعیش و نوش اشتغال
داشت و این امر بمقتضای

(که می خورند حریضان و من نظاره کنیم)

سبب پریشانی حواس سائر اهالی اردو ازسرباز و سردار
گردیده بود - جنرال (کروپاتکن) دیوک مذکور را ازین
حرکات منع نمود (گراند دیوک) برآشفته سخت جواب
داد جنرال (کروپاتکن) زیرا بدین نکته متنبه نمود که
من در جلالت قدر و علو نسبتها سخن ندارم ولی
تأویق که شما بعهده پیرهنکی و اردو باشید اطاعت
اوامر من بر شما لازم و واجب است - ازین سخن (دیوک) در
غضب شده شمشیر خود را بطرف جنرال (کروپاتکن) برتاب
کرده خراشی بر دماغ جنرال موصوف وارد آورد جنرال
(کروپاتکن) مراتب را بحضور امپراطوری تکراراً اطلاع داد

تہذیب اخلاق
(از نمرة ۴۱)

اولاً در نظر تمدن عرضہ میدارد بزرگان و دوستان من از ارباب قلم و اطلاع کہ بشیوہ تحریرات من مطلع هستند شایان است کہ از شکل تحریر این جوابیہ هیچ تمسب نکنند چرا وقتیکہ سؤال در شکل و قاعدہ منطبق نشد جواب ہم ہر چہ سی شود باز تا یک اندازہ در صرف امروزی ممکن است کہ مقذوح واقع شود چون جواب غش یا سکوت است بکلی یا منہا سی بشود کہ غشہای خوش قلب دادہ شود وقتی کہ بنای جواب شد . والا بحث بر تلافی غسالہ وارد خواهد آمد در اینصورت زلات قلمی انشاء اللہ در نظر اصحاب بصیرت موقع عفو خواهد گرفت

اولاً - صاحب مکتوب از قاعدہ مناقشہ قلمی بکلی بی اطلاع بودہ است قاعدہ مناقشہ قلمی در صرف ادبای تمام ملل متمدن این است کہ صاحب مکتوب بنویسد کہ مدیر محترم جبل المتین در روزنامہ نمرة فلان و تاریخ فلان فلان وزیر را بصفہ خیانت نام برده باین برہان و این قاعدہ فلان وزیر صادق است و امین و آن اشخاصیکہ موثقین ادارہ اند و مطلع میدارند ادارہ را شاید مردمان با خبر و بی غرض نباشند و در ضمن اثبات مغرض بودن لا اقل یحیی دو نفر از این مخبرانرا میفرمودند - و با ادلہ کہ عقلاً از ایشان پسند کنند مثل اینکه خود میفرمایند نصیحت صاف و سادہ می کردند نہ اینکہ آن کاری کہ خود جبل المتین را از او منع میفرمایند در اول نگاشته خود مرتکب شوید بزرگترین غشها در عالم ابطال قول خصم است یا ادلہ قویہ نہ معارضہ بمثل

در تالی میگوئید ~~صک~~ جبل المتین فلان وزیر را مصدر خیانتها قرار دادہ است - جبل المتین یکی از ملت ایرانی است و بر حسب قانون دین خدا و اساس تمدن و تربیت حور لبتہ کہ ~~یکے~~ اینقسم بضمہ ~~صک~~ فلان وزیر وجودش از برای دولت و ملت دارای ضررست بنویسد در روزنامہ و ہمشہریہای خودش اطلاع بدہد با ہرزادایل بین میگوید فلان وزیر بجهت فلان کار و فلان کار را کرد خائن است تا شا اثبات او را رد و ابطال نکرده ابد او ہر چہ بخواد بگوید

ہر قانونی بہ او صلاحیت دادہ است و بموجب تمام قوانین حاضرہ عالم کسی را بر او حق اعتراض نیست مثلاً تصور فرمایید بدترین صفتها از برای یک عالم و یا یک حاکم اخذ رشوہ است - ولی اگر شخص رشوہ خورندہ را بگوئیم کہ شا رشوہ خوار مستبد بی شرمی و بدگوئی نیست - حقیقت واقع است یا ظلم کہ پست ترین رذائل است و در تمام قواعد و ادیان مذموم است . ولی اگر بیک شخص عادل نسبت ظلم دہند غش و بی شرمی است همین قسم بدروغگو نسبت دروغ و بدزد نسبت دزدی و بزانی نسبت زنا در صورت حقیقت مورد هیچ قسم مؤاخذہ نمیتواند بشود . من بگویم فلان وزیر خائن است میگوئیم بچہ دلیل - میگویم بدایل اینکه یارک یک کرور تومانی دارد و پنج کرور دولت در داخلہ ایران دارد . میگوئیم صدر اعظم است باید داشتہ باشد مگر صدر اعظم انگلیس ندارد میگوئیم فرق است بین صدر اعظم انگلیس اما محل ثروت انگلیس معلوم است یا از نوع تجارت و سهام است یا از ارث اجدادی است یا زیادتی دخل برخرج است . ولی صدر اعظم ما کہ سالی سی ہزار تومان مواجب داشت و صد و بیست ہزار تومان مخارج این مقدار ثروت را از کجا حاصل کرد - اگر بگوئیم از پدرش داشت آنوقت میگوئیم خائن پسر خائن و دزد پسر دزدست چرا کہ اگر محل ثروت پدرش شود سؤال یا دو سبد میوہ نشان خواهی داد یا چند کبوتر با اختلاف اقوال دوم صاحب مکتوب مینویسد مجدد ثریا

راہ مکاتبہ تا کنون با شا مسدود بود ولی چون دانستم کہ غیرت وطن و حقوق دولت و ملت شا را وا داشتہ کہ از مصر قاہرہ مراجعت فرمودید و در دارالخلافہ باہرہ وطن گردید و اینغیرت شا مرا تشویق کرد کہ ہفتہ چند باب مکاتبہ مفتوح داشتہ و در طی مکاتب عہدہ حکایت کند از بارہ بی شرمان کہ از حالشان ہر خیری بصیرست

ایشرف صاحب مکتوب کہ شناسان حقوق ملت و دولت و غیرت وطن خواهی سبب حرکت شا از مصر بود بہرہان عقلی و اطلاعات علمی ہردو مردود است . چون عمل اعتراف و محسوس کل عنای دنیاست کہ شکل حکومتہای مستقل خود شامد بزرگ است - کہ در حکومتیکہ مشروط بشرایط و مقنن بقوانین نیست

و حدی از برای دائرة میل حکام و قضاة تعیین نشده است امکان عقلی ندارد که يك نفر محرر بتواند بآزادی فکر خود را بیان کند و یا يك نفر روزنامه نگار قادر باشد که در منافع روزانه ملت صحبت بدارد حتی من ار اصاف پادشاه و وزیر اعظم امیدوارم که خود آن ها هم شهادت بدهند که هنوز ارباب قلم روس و عثمانی که در هر مرتبه از مراتب زما پیش هستند نمیتوانند در آنچه بآرای اوایی امور مطابق نیست ولو آنکه دارای فایده باشد برای هیئت ملت رانی بدهند پس اگر شخص وطن پرست و غیور باشد يك مملکت آباد را وها نمیکند که قلم او میتواند هم قسم شیرین رانی کند و رود در جای بنشیند که اگر صحبتی از گردش و اوضاع فلکی بخلاف سرصفحه تقویم کرده بایش را مثل مدیر مطبوعاتی يك حاکم یا ناموس بفلک بگذارد که من هم عین زقچه بلد هستم بدم هم صد رأس اسب در طویله دارم چه قسم میشود که خودم صد طویله خر باشم - حق واقع می شام ارباب قلم را در همین وطن ما که اطلاع ردهای و عدم اقتدار در اطهار خون از چشمه های قلم آن ها می چکند در وقتیکه خصوص یکی اردوستان خود چیزی مینویسند - حیف نیست باین تعارفات معمول خاطر خوش کنیم مملکت تحریر امروز هیچ دخلی به نویسندگی های سابق ندارد راست و درست و صاف و پوست کنده باد مطلب نوشت نه اینکه يك وزیر نادان رتبت خواجه نظام الملکی داد و یا بيك پادشاه که در حفظ حوزه حکومت خود عاجزست قهرمان ماء والطنین یا سلطان السلاطين نوشت - فرق شاهی و محرر ایست که شاهی میتواند در مملکت ایران بشرط شرهای دروغ گفتن و مدح بجا کردن باشد - محرر وطن پرست نمیتواند باید یا سکوت باید یا خارج شود نه داخل - اینها در تحت تصدیق کل عزالت حق خود مباشترین امور پس اینفرمایش صاحب مکتوب با شهادت تمام کوجه های طهران باطل است که مدیر محترم ثریا بواسطه حقوق کتوات و ملت و نهایت عبرت از مصر مهاجرت کرده است با که من و ثریا و خدا هر سه مطلقیم که ضرورت و اداره معیشت او را سوق کرده است اگر مدیر محترم خود اعتراضی دارد در این عرصه بنویسد تا باطله

جواب بدمم فرجه شهادت ارباب را - اما اگر چه یقین است اخود ایشان - قمرند که یکسب - میبخت لعل از شهری بشهری که وطن اصلی ایشان است - مهاجرت اختیار فرموده باشند

ماده سوم اینکه سؤال - بفرمایند آیا وظیفه روزنامه نگاری عیب خوبی است و بدگویی یا نصیحت و خوش گوئی؟ آقا جان - اگر بنظر فرمایید این دعوا بقم را با کمال ادب عرضه میدارم - که از وضع روزنامه نگاری و صرف قلم هیچ اطلاع ندارید از یکی از وزرای فرانسه - سؤال میکنند که در این مدت کم بعد از جنگ پروسه اینهمه پیش آمد از برای دولت جمهوری فرانسه - در سایه کدام دولت و نعمت حاصل شد میگوید در سایه عیب خوبی - از هزار و سیصد سال به این طرفه یقین است ما معارف و روزنامه جلت یومیه نداشتیم مگر این چند سال آخری که شروع بسمه جزو کرده ایم پس صرف اینمسلک صرف شهر پاریس و حاک فرانسه است - آئونه بشوید یکسال روزنامه فیکاروی فرانسه را که معتدل ترین روزنامه های فرانسه است جواب خود را زودی از زبان قلمشای عیب گیر آتش نشان محررین فرانسه خواهید گرفت - علی با کمال جسارت بشهادت اوراق روزنامه جلت اروپا بنما - بنگویم که روزنامه یعنی محل اجرای مقاصد حکمائی يك ملت و بیان افکار عالیة اصحاب ناموس و ارباب دها و درایت پس روزنامه يك شخص واحد نیست که شما بتوانید بعضی نسبتها باو بدهید روزنامه آزاد حکم يك شیشه عکاسی را دارد که خیالات يك ملت را از طرفی گرفته و بطرفی میدهد پس صلاحیت بحث در نواقص چون فرض حکما و اهل قلم يك ملت است صلاحیت قانونی میدهد يك صفحه روزنامه که صحبت از حالات بعضی از متکفلین امروز که خیانت آنها بدرجه وضوح رسیده بدون هیچ ملاحظه بکند که انتساب انبیا رفقای او شود که بلکه قدری در پیشگاه اصاف سلوک کند و حقوق هیئت جنیت خود را بلین وسیله محافظه و از مخاطره رهایی دهند - باقی فرمایشات و بیانات صاحب مکتوب بزندگانی تن قسم است همان جواب همان بیانی است که نوعت امام وقت به پسر ابوالفضل که اراده مدح من کرده بودند بفرموده از اینکه عین مدح است

کلمات تو از برای یکن مؤمن و بقره یعنی با تصرف در محمول کردن و در بحث های خلیج از حیث علم و اطلاع خود یا خل شدن یعنی چه شرم ساری ندارد خلجات نمی آورد ولو آنکه شخص پیش خداوند مسئول نباشد از این حرکات

باقی بیانات نویسنده مستکتوب تا جایی که میتواند دانشمندی مثل شیخ بهائی گفته است

این وطن مصر و عراق و شام نیست

این وطن شهری است کورا نام نیست

هیچ قابل جواب بلکه قابل خولدن نیست ولی این بهر باری بجایه الرحمه هیچ دلیل نمیشود از برای عدم رعایت وطن بلکه دلیل بی علمی و بی اطلاعی نویسنده میشود چون بکلی از صرف حکما و محققین بی اطلاع بوده است که از برای تمام صنوف ممکن یک وطن معروقی است و در قاعده کلیه حکما هر وقت میل و حرکت آنها بسوی وطن آنهاست لاجله بالفرض بقواعد قدما مشی قهری کردیم که

هبطت الیک من المجلد الارفع

ورقاء ذات تعزز و تمتع

باز هیچ نمیتواند در صورت وطن برسی ظاهری مداخله کند - تصور کنیم که یک نفر فرنگی پاریس از شهر پاریس بطهران آمد و خواست پنجاه سال در طهران بماند و بعد از پنجاه سال یا پنجاه سال بوطن اصلی خود معاودت کند آیا عقل سالم درباره این شخص چه میگوید که این شخص چون مسافرت در طهران و باور عاریت آمده است خوب است در وسط میدان گاه فروشها زیر آفتاب بایستد تا هنگام معاودت یا آنکه در خیابان علاءالدوله یک منزل لطیف دلکش از برای خود مهیا کند که لااقل آن مشتقی که از برای او در غربت و اوضاع طهران مشاهده میشود تا یک اندازه بتواند فراموش کند - یقین است که هر حاقلی با کسی تصور میتواند بفرماید که چون این شخص مسافر از شهری آمده است که دارای مهربانی و وسیع بوده است و عمارات رفیع بساطن دلکش و باغهای خوش نایبارست که از برای زیست خود محل منزله و پاکیزه انتخاب کند و الا اگر غیر ازین باشد غیر از امام مأموریت بر او باد - بدین طاقیت در شهرت مفارقتی نماند

از معاودت من شود مثل آنکه غالب از ایرانیهای ما بهمین درد دوچار هستند بحسب یک مفروض عامی که وطن تن خاکی است و وطن روح یک عالمی غیر مکشوف الحقیقه که ما او را عالم علوی اسم میدیم این قضیه شامل بعد از مرگ است و غیر از بدن عیبی هیچ آدمی نتوانست بدن خود را به آسمان بکشد پس چون تن ما از سنخ طایفات است و همیشه نایبارست که در زمین بماند و آن مسافر انجانی در هنگام رفاقت همیشه تابع عادات این صاحب خانه بوده است لذا میگویم که اوضاع پیش از مرگ بیشتر محل دقت است و صحبت ما از وطن و تعبیرات اوضاع پیش است و باز از برای تهیه مسافرت و رجوع آن مسافر هم میگوئیم که با باافصال حسنه و اعمال شایسته از این وطن توشه و زاد بگیرد یقین است در شهر خراب نمیشود توشه یک سفری دراز را مهیا کرد هر کدام از اینکلمات یک فصلی شرح لازم دارد میگویم در شهر که اصول حکومت به اجاره و پیشکش باشد و قتیکه این مسئله با حرس فطری انسان منضم شد لاجله از این سفرها و کبریا یک نتیجه ظلمیه قهری ظهور میکند ولو آنکه حاکم ابروی معروف باجنید ابتدای باشد پس مقدم است اصلاح این وطن عارضی بر آن وطن اصلی چرا که اصلاح این وطن عارضی است که بتواند آن وطن اصلی را تعمیر کند مثل آنکه مسافر پاریسی زحمت این کوجهای تنگ را تحمل میکند و نقدی تحصیل کرده بوطن اصلی خود میفرستد که بعد از معاودت آسایشی کند - همیشه دیار شده است در شهرهاییکه اعتناش بیک حقیق مشهور است طرق تجارت و نفع مسدود - این است که حضرت حقی مرتبت (صائم) هم در حق وطن سواری خیلی اصرار داشته و از این فرطایش که هنگام حرکت از مکه میفرماید در حد وطن برسی آنحضرت معلوم میشود و همین مقدار تحقیق گرچه بواسطه بزرگی مطالب ناقص است گمان میکنم که جبهه عدم تحقیق صاحب مکشوف کافی باشد (والله احبک ، لولا اهلك اخر جونی عنک لما اثرت بک بدلاً ولا اتبعک بدلاً و انزلوا علی مفارقتک) میفرماید ای گرامی وطن من خدا میداند که من تو را دوست دارم و اگر اهل تو مرا از تو بیرون نمی کردند بلدی و بدلی بجای تو راضی نبودم که بگیرم و حالاً هم بدلی

متأسفم بر مذاق تو. بین است که اینفرمایش اندازه صریح است که لازم توضیح و قابل تأویل نیست چون مخاطب اینخطاب بمکان ملکوت و سامان عالم جبروت نبود فرمایشات و بیانات وطن پرست غیور و همشهری عزیز ما تا جاییکه میشد یعنی قبول جواب میکرد محض رفع شبهه سایر همزبان و فرزندان وطن جواب عرض شد حال دره وقع نصیحت شخصی و ارادات باطنی که بمدير محترم ثریا دارم چند اعتراض دردرج این مکتوب وارد است که ناچار از ذکر و مرصع آنها و خود مبارک مدير تریاست

جناب مدیر ثریا مینویسد در اول روز نامه که مطالبی که فائده اش راجع بحال دولت و ملت باشد درج میشود اینمکتوب باتفاق تمام اهل قلم و ارباب حل و عقد دارای هیچ فائده نبود از برای هیئت جمعیت يك ملت چرا که آنوقت مثل من يك شخص بی اطلاع تصور میکند. یعنی قاعده مناقشه قاضی ادباً يك کاغذ را سراپا از حرف های ناشایست برگردن است. بر فرض صاحب مکتوب حبل المتین را از بعضی نسبت ها که به بعضی اشخاص داد باسان ریکه تنبیه و نصیحت خواست کرده باشد هیچ شان بود که بین کلمات که میگویی او چرا گفت بین کلمات تنبیه کند

در تالی این مکتوب بود حاوی از بعضی کلمات ناخوش مخصوص بعات ایرانی و راجع بود بشخص حبل المتین چرا که در جرح کلمات مدیر حبل المتین حاوی برهان عقلی و نقلی و فعلی هیچکدام نبود بلکه خبر بیداد این مکتوب از عدم اطلاع و فساد اخلاق و طرفداری صاحب خود و بر شخص مدیر ثریا لازم بود که چشم نبوهد از درج اینمکتوب بر حسب آنچه خود اطلاع میدهد در روزنامه خود و در درج مدیر محترم ثریا دو اعتراض بر خود وارد آورد (باقی دارد)

اداره احتسایه و مجلس ترخ طهرانی
شرح ارزق را هفته گذشته بمرض رسانیده بود من جمله مسئله گوشت است که سابقاً دو قران بود و بر حسب صوابدید مجلس و حکم مختارالسلطنه سردار مقررند که چارکی شش عباسی بفروشند اجزاء مجلس چنان مساعدت دانستند مشهدی ابوالقاسم رئیس قصابخانه را یکی از این عمل که او کرده است و دست او را از مداخله

کوتاه نمایند زیرا که در عرض این مدت مدید که مباشر بود چندان قلب نموده که خلق بستوه آمده بودند چون قطع نان مسکین را نمودن در نزد عقلا پسندیده نیست مختارالسلطنه سردار منصور او را خواسته مراتب را بوی تقریر کرد مشارالیه تمهیدات نمود که من بعد از احوال سابقه کناره گیرد و موجب اذواء فقراء و صغفا نگردد نظر بتکالیف ظاهری از وی پذیرفتند مشارالیه چون خود را مستقل دید بنای فساد و شیطنت نهاد و یکسانیکه بشقاع مختلفه در پی خرید گوسفند فرستاده خبر داد که در همان نقاط توقف نمایند و حیوان بطرف طهران حل نکنند بلکه مانع دیگران نیز بشوند و چوبداران که با او طرف بودند هر کد امر را توانست فریب داده و آنکه را نتوانست و جوهاش را نپرداخت تا قدرت بر خرید و فروش نداشته باشند از این رو گوشت در شهر نایاب گردید گوسفند حکم کیمیا را پیدا نکرد مردم بتنگی و سختی افتادند اگر غیر از مختارالسلطنه مباشر این امر بود مردم متشکی میشدند و بصدای آمدند ولی چون مراتب این مرد غیرتند را میدانند که فرض و طمع در وجودش یافت نمیشود و خود نیز چون يك نفر از فقرا سلوک مینماید با کمال رضایت صبر نموده تا حقیقت این احوال بواسطه راپورت های مأمورین مخصوص بمحزی الیه رسید دانست که وقت غصه و اغراض و هنگام مسامحه و گذشت نیست اولاً مقرر نمود چوبدارانیکه با او طرف حساب اند حاضر کرده رسیدگی بحساب آنها بشود مشهدی ابوالقاسم که سر براه حساب نداشت خواست محيله و شیطنت جلوگیری از اینکار نماید رفته بآستانه حضرت عبدالعظیم متحصن گردید چون تحقیق نمودند معلوم شد نه هزار تومان و کسری طلب چوبداران است مختارالسلطنه فوراً پول را از جیب خود بدون دیناری کسر یا ده يك و ده نیم باشخاص مزبور داده روانه نمود آنان شکر این نعمت بزرگ را بجا آورده دعای سلامتی این مرد محترم را فریضة خویش نمودند آنگاه فرستاده منشی مشهدی ابوالقاسم را خواسته ثبت اموال و املاک و کلیه مال او را مطالبه نمود منشی که طرفدار رئیس خود بود مجموع ما بمالك مشارالیه را چهل هزار تومان قم داد نمود اگرچه این مبلغ حق سلطنته ربع بضاعت وی

زیاده بست و این خود قدری معتابه محسوب نمیشود ولی در ممالک ایران همه کس مسبوق است که این وجه سرمایه یک تجارتخانه عمده است و باوجود مخارج فوق العاده طهران در خور امکان بست یک قمر قصاب بتواند این مقدار را از شغل قصابی بر وجه صحیح اندوخته نماید مخصوص با ترتیبات ماشیه این مرد که مرکز تجار و امراء توطان بلکه سالار و سرداران به این وضع گذران کردن را امکان نداشتند همواره با کمال اجلال و وار میشد و چندین از مستخدمین را در زمین و بیار انداخته طی راه میکرد جز آنکه از راه قلب و ایذاء نوع و صدمه فقراء و مساکین تحصیل نموده است اینک خوی بد در طبیعتش جای گیر گفته و تا وقت مرگ از دست نخواهد داد - خلاصه شرح واقعه را بخاکبای هیون اعلی حضرت شهر یاری عرضه داشت - شاهنشاه دادگر حکم فرموده که چون این قصاب اسباب اذیت افراد ملت گفته و باعث تنگی و قحطی و این ثروتر از راه غیر مشروع جمع کرده است باید مایه او را که فی الواقع متعلق بملک است ضبط کرد طلب مردم را کسر کرده ما بقی فقراء و ضغفاء شهر قسمت شود و خودشرا نیز نظر بعزت متقلین و حیل گران سیاست سخت نمایند این معنی را از علماء اعلام استفتاء نمودند که آیا آنکس که همش مصروف بر ضرر مسلمین است و سود خود را از راه زیان مسلمانان میداند خدا و رسول از او حمایت میکنند و میتوان بدعاظ التجاء ببقعه حضرت عبدالعظیم از جرم و جنایت و اعمال قبیحه او صرف نظر نمود؟ علماء سریعاً حکم بر وجوب سیاست او نمودند بلکه اهم فرائض بیان کردند. مشهدی ابوالقاسم چون حال را بر این منوال دید دانست که دست غضب الهی از آستین انتقام بدرآمده داد مظلومین و مایهوفین فقراء را از وی خواهد گرفت ناچار شبانه فرار نمود ولی همه بلاد مجاور تاگراف شد در هر نقطه که او را بیابند دستگیر کنند بواسطه همین قانون مسئولیت و اصول مؤاخذه دوزخ نگذشت چندان گوسفند وارد گردید که دکان قصابی مملو از گوشت شد بنوعی که بی از قدر حاجت خاق زیاد آمد چنانکه شب در هر دکان چند من گوشت زیاد آمد لذا حضرات قصاب بمرض رسانیدند. **بسته** دید این خصوص بدیدر بنمایند تا

باعث خسارت آنها نگردد - این است شمه از اقدامات این مرد بزرگ در یک عمل جزئی و در سایر کسبها نیز بر همین قرار مقابله باید نمود بشرط آنکه ملت و دولت قدر چنین جانفشانرا بشناسند و باغراض فاسده یک قمر خاق او را بخراسان فرستند -

حکایت عربستان

جناب ممنحن السلطنه (آقا میرزا کاظم خان الرز) که سالها بکارگذاری عربستان و جنرال قونسولگری حاجی ترخان و ریاست محاکمات وزارت جلیله خارج و سایر مشاغل مهمه مأمور و منصوب و رفتار معزی الیه در کلیه آنها بطور منظور و مطلوب بوده است به کارپردازی اول بغداد و عراق عرب برقرار و از طریق اصفهان و بندر ناصری و محمره و بصره بمحل مأموریت خود رهسپار شدند و درباره ایشان همه جا احترامات شایان معمول افتاد

ناخوشی و با در دزفول و شوشتر و محمره همه جا شیوع و بالنسبه شدت و ضعف دارد آقا میرزا یانس مفتش کربک و بست و قرنتینه عربستان **بسته** عجله کفیل امور ریاست کلیه است نظر بر حسن مراقبتی که در کار طایفه به اداره دارند دواهای لازم خواسته و بهر نقطه قسمتی فرستاده اند. دو کتر فرانسیس طبیب قرنتینه و جناب معتمد السلطان صدرالاطباء و معتمد السلطان آقا عبدی نایب الحکومه محمره و رؤسای کربک نقاط جزو هر یک در وظایف خود مواظبت و مخصوص در این طایفه مجاهدت می نمایند و اتصالاً از وزارتخانه های جلیله خارج و کربکات بحکومت و کارگذاری و ادارت کربک و قرنتینه و به صدرالاطباء و غیره تأکید میفرمایند و انصافاً حق الامکان کوتاهی ندارند

جناب آقای اعظام السلطنه که بیشتر از طرف ذیشرف حضرت و الاشاهنشاهزاده معظم سالارالدوله در عربستان نایب الایاله بوده و کمال خوش سلوکی را میکرده اند این اوقات نیز مجدداً و مستقلاً از دارالخلافه بحکومت مزبوره که از اشغال عالیه است منتخب و به حوضه حکومت خود وارد شده اند از آنجا که شاهزاده وزیر اعظم شخصاً یکزمانی به ایالت کل عربستان و لرستان و بختیاری تشریف فرما و از محاسن پادشاهی آنحضرت همین اصرار

خودسر و الوار غارت گری با ضعف خلق خدا با نهایت راحت و امنیت در يك بستر می‌غزوده و تحصیل مالیات از آنها احتیاجی به اردو و لشکر و تحمل زحمت و ضرر نداشته سهل است در جان فشانی و خدمت سبقت به یکدیگر مینموده اند اعظم السلطنه هم به عربستان مسبوق و مجرب هستد امید است تعالیات و ترتیبات حکومت ایشان نوعی باشد که اسباب ازدیاد انظام عساکر و بلاد و آسایش رطایا و عباد و منافع مصالح دولت ابد بنیاد گردد

جناب ... آقای اعتلاالدوله کارگذار عربستان که بر حسب مأموریت فوق العاده جنیدی پیش با کشتی دولتی (پرس باریس) موقفاً عظیم (چاههار) و حدود بلوچستان شده بودند و قبل از این مسافرت تقاضای داشتند پس از مراجعت باز عود و دوباره معزی الیه و با بستری کرد ولی بجمدهات از حسن تداوی اطباء به زودی رفع و کماکان به مشاغل مرحومه مشغول شدند

قتل و غارتیکه جنیدی قبل حولی شوشتر و دزفول نمایان (شیخ فرخان) و (شیخ حیدر) شده و مسئله اهمیت پیدا کرد - این اوقات که حکومت جدید عربستان ورود کرده یقین است ظلم و مظلوم را حدود و حکم عادلانه خواهد نمود که هم مردم حلی ارسوف و رجا باشند و هم این دو شیخ و عشیرت را که بقیه السیف آسمه شیوخ و عشار است از حکومت مرکزی این سامان تزعزع سازند و از اجمعی و اوخواهان شوکت حکومت را مسرور و بدخواهان دولت را که محض بدرفت نمود و منفعت و مصالح خود بازار آشفته و اطفال مملکت و اختلاف رعیت را میجوهند کور نمایند چون موافق قرار داد افتتاح رود کارون کشتیهای دول سازه از سد اهواز بسمت شوشتر اجازه آمدوشد ندارند - و کشتی موسوم به (شوشان) که از دولت حفیظه انگلیس بدوایت عایه ایران اقبال یافته و در آنجا تردد میکند بخلاف قواعد بحری که باید هر کشتی از مردوایت است بپرق و علامتی داشته باشد بکنی بدون بپرق و زحمت مرجهت خارج از قاعده بود لهذا وزارت جلاله امور خارجه که هیچ نکته را رمد نظر دور نمیدارد حسب از امر جناب اعتلاالدوله کارگذار عربستان حکم و دستور العملی دادند بیکه علی الاصول برده بپرق شیراز

خوردن شیدی و کشتیهای پروردیدند و برعکس چیزی ترتیب آن باشند و کارگذار معزی الیه که همواره حاضر برای خدمت گذاری است فوراً امر میسرک را اجرا داشتند و به تویخانه مبارکه بجهت که آن نیز بپرق و علامت دولتی و نظای بود سابقاً این کارگذار بپرق هدیه داده اند که حال چندینی است در اوقات مخصوصه میزنند و فریاد حقیقه این گونه آورد دوسر حد اسباب مزید شکوه دولت است چند یوم قبل شبی در قریه فیلیه که محل اقامت جناب منزالسلطنه سردار ارفع حاکم محیره و اهواز است بعضی از مجوسین قصد فرار میکنند علی هذا زد و خوردی فیما بین آنها و آدمهای سردار واقع میگردد و از قرار مسموع قتلی از آنها و جرحی از کسان شیخ میشود عدده مقتول و مجروح صحیحاً معلوم نیست در باب اخذ اصنافیه از اتباع خارجه که از وزارت جلیله امور خارجه نیز امر عمومی شده است کارگذاری عربستان هم در اقدام است - خداوند اشاهه در چنین قطعه مدد در انجام خواهد کرد

جناب ... منزالسلطنه سردار ارفع که برای پاره مهم مرجه بطرفهای اهواز و کارون رفته اند کماکان آنجا تشریف دارند و ظاهراً بعد از رفع ناخوشی و با از محره بسلامت و جلالات معاودت مینمایند الحقی وجود ایشان در حدود عربستان نسق است که نظیر ندارد

مکتوب از طهران

از قرار اخبار تلگرافی این هفته دولت روس مبلغ ۳۴ میلیون لیرای از دولت فرانسه قرض خواسته چون در ملک جمهوری مات و دولت راجدائی نیست دولت حکم کرد مانگهای پاریس این قرضه را در سود صد پنج بروس داده باشند

و نیز ژاپون از (اتازون) در صدی سه و نیم قرض نموده از زمین يك نکته حیثیت مالی روس و ژاپون بیکو معلوم میشود زیرا که امروز با اینکه مال و خاقله این جنگ بر احدی معلوم نیست و هیچکدام از سیاستون عالم و ارباب خبرت نتوانند بطور یقین حاس بزنند باز ژاپون از هر کدام دول خواستگار و ام شود با کمال میل در ادای آن حاضرند و این نکته علی الاصول برده بپرق شیراز

بیرا که حقوق انازلون جمهوری است پول را باید بکشد
 بدهند و آنها نیز تا اطمینان و خاطر جوی نداشته
 باشند دیناری نمیدهند فکیف در سود سه و نیم - و
 پولیکه فرانسه بروس داده مبنی بر اعتبار آن دولت
 نیست بعلت آنکه اتحاد این دو دولت را سلطاست
 که همگان دانسته و فهمیده اند و لازمه او همراهی
 با حایف خود است بهلاوه چون سابقا مبلغ چهارصد
 ملیون فرانک داده جمهوری است که اکنون بجهت وصول
 قرضهای سابقه مازهم بدهد و بجز فرانسه کتر دولت
 و ملتی پول بروس قرض میدهد - سندات دولتی
 روس زیاده از اندازه تنزل ~~شکسته~~ کرده برخلاف سندات
 ژاپون که قابلی کسر پیدا نمود - در قرض يك و نیم تفاوت
 سوخته دارند و از قراریکه در اینجا شهرواست دولت
 روس طلب خود را از ایران و راههای آهن شهری که با
 اسب حرکت میکند و راه حضرت عبدالنظیم که با بخار
 متحرک و سایر ما بملک خود را در این ملک در ازای
 قرض بفرانسه واگذار نموده بشرط آنکه بموعده دو سال
 حق فسخ و رجوع داشته باشد - بد بخت کسانیکه
 نفس خود را راضی نمودند از چنین دولتی که خود
 مقروض و پریشان و بی اعتبار است در صدی
 شش قرض نمایند - آنگاه با چنان شرایط که تا بحال
 از احدی ندیده و شنیده نشده مگر آنکه گوئیم طمع
 مأمورین موجب ارتکاب این عمل زشت گردید ورنه
 شخص عاقل هرگز نا اختیار خود اقدام بچنین فعلی
 ننماید - دیروز از شخص ثقة شنیدم در مسئله قرض
 وزیر سابق دوازده ملیون و واسمانه دیگر دو ملیون
 تعارف یا باصطلاح دیگر قیمت دولت یا خون بهای
 ملت را گرفته اند باری از اصل مقصود خارج نشویم -
 در این ایام کبابی راه آهن بخمال افتاد که شعبه این راه
 را نیز بشمران امتداد دهد باین طریق که از خیابان
 چراغ گاز شعبه تا دروازه شمیران تمتد نموده با اسب
 حرکت کند و از آنجا تا تجریش و لغو آنجا بصاحبقرانیه
 و معدن ذغال سنگ امتداد دهد طول این خط پنج
 فرسنگ خواهد بود - دو روز شروع بعملیات نمود
 بعد از آن تعطیل شد از قراریکه میکوبند يك قسمتی
 از آن در ملک و دکانین مجدداً بده واقع است و سپس
 مضاف میشود با مجاری قسک ~~مجموعه~~ - ~~بگیر~~

مجاری قنات یا استحکام سطح آن ممکن است ولی عبور
 از ملک دیگری بدون رضایت صاحب ملک در هیچ
 قانون مشروع نیست - ولی روسها از بسکه در زمان
 سدارت سابق بزور و تعدی معناد شده اند چنان میکنند
 که ملت عنید و اطاعت آنها است که بر شیشی قدرت ندارند
 و از خود ما بملک و ثروت را صاحب نیستند ولی
 هیات آن زمان گذشت و چنان ایام سپری شد - امروز
 ملت و دولت پیش آمده حقوق خود را بیستکی
 میشناسند - امروز دم از ترقی میزنند و درصدد اجرای
 قوانین لازماتند - حای تعجب است حالت ملل فرنگ
 که در ماده خود با ذره بین دقت کمال کوشش را میبایند
 که احدی امری برخلاف قانون در حقشان سلوک
 نکند چنانکه دولت روس بهانه های بجا و سخنان
 خنک مدعی شد که ژاپون برخلاف قوانین حقوق ملل
 در حرب حاضره سلوک و رفتار نموده اسلاک تکراف
 و ایسارک را گسیخته و مأمور سیاسی روس را از خاک
 (کوریا) اخراج نموده است - با اینکه رسماً از طرف خصم
 این مطالب تکذیب شد باز بر سر حرف خود ایستاده
 ولی قانون متعارف تمام عالم متمدن را در طاعه مسافری
 شنهد و فر معمول نمیدارد - در حکام قانون است که
 مسافر پول داده بروی رکاب قطار بایستد ؟ در کجا
 و چه نقطه عالم حق عبور گرفته سه ماه زهستان جاده
 را از برف پاک نکند مسافری ده پست روز در
 وسط راه مجبوراً توقف کنند و در بهار و تابستان کل
 ولای مانع عبور جرخ کالسکه گردد ؟ بدرستی معلوم
 شده که عضو اروپائی زیاده از دیگر ناسر، طالب ظلم و
 بیقانونی است و آنچه او را مانع است بیداری اهالی و
 هوشیاری آنهاست و گر نه متمدن ترین مال فرنگ
 یعنی انگلیس و فرانسه در جنوب افریقا و (الجزائر) و
 (نونس) (ومراکش) چنان آتش بیداد افروخته و افروزند
 که تصور آن شخص را هر تمس سازد خداوند مات و
 دوات ابرار را از شر این گرگان آدم خوار حفظ فرماید

مکتوب انزلی

امروز ۱۸ ربیع الثانی لعش سفیر، توفای دولت
 روسیه مقیم طهران را وارد انزلی نموده حل شکوه
 بست و بطرف روسیه فرستادند از بندر انزلی پنج فرسنگ

اصلاحات جدیده یا خیالات

مالیه وزیر اعظم

(از شماره ۴۲)

ماده سوم از مواد قابل اصلاح مسئله مالیات و شئون وزارت مالیه است و کلام در این موضوع هم راجع بچند عنوان است

(اول) جلوگیری وضع مالیات و ترتیب آن

(دویم) بیان اشیائیکه بآنها مالیات تعلق میگیرد یعنی چیزهائیکه دولت را از آنها حق گرفتن مالیات و عوارض است

(سوم) کیفیت وصول مالیات و احوال دفتر استیفا

(چهارم) مصارف مالیات - پیش از شروع در حل

ایستله غاصه مهمه ما از تحقیق مسئله دقیق در باب تاریخ مالیات و مشروعیت آن ناگزیریم - بر حسب ضرورت و بمقتضای طبیعت چون چیزی در نقطه مجتمع کردند

خواه بحالت بدویت و صحرا نشینی چنانکه در قبائل و عشایر معمول است یا در قراء و مزارع یا در بلاد و ولایات چنانکه طریقه تمدن است بواسطه توارد

علاقات و تشاجر و مخاصمات و حفظ هیئت نوعیه و رفع اغتشاشات داخله و دفع دشمنان - و طوایف خارجه این مات را هیئت محافظی لازم است که در موارد

گفتگو و محاکمات بر حسب قوانین معموله طی سخن و دفع قتل نماید - آسایش عمومی را نگهبان و حقوق عموم را دیده بان بمباره اخری هیئت اجتماعی را زندگانی

و حیات ممکن بست مگر در تحت یک قانون عادلانه یا طالما که کار حفظ نظام و امن و سلامت عمومی گردد

و گرنه بر یکدیگر تازد و خون هم بریزد و باندک زمان اجتماع عامه مبدل باختلاف کله و تفرق و توحش گردد و برای حفظ این نظام و وکالت این قانون هیئت

مخصوص لازم است - هیئت عامه را ملت گویند و هیئت خاصه را دولت - و صفت قدرت و قوه دولت را سلطنت نامند و رئیس این هیئت و مهیمن این جمعیت را

باختلاف اصطلاح و اذات سلطان پادشاه - قرال - پرنس - دوک - امپراطور - میکادو - خاقان - پوزیدانت گویند - و شك نیست که این هیئت خاصه را که دولت نامیم

شکل جز سرپرستی اشخاصیکه رعیت خوانیم نیست پس ناچار بجهت ترتیب امور معاش خود و مصارف

کشتی های مسکوچک بخاری باستقبال لشکری بندر (پیر بازار) بر از جمعیت رفتند در بارگاه برادران علی اف عموم تجار خارجه و داخله محض احترام

سفیر و اتحاد دولتن روس و ایران الی پیر بازار و مراحمت از آنجا الی بارانداز دریا سرکشتی بست بودند - کشتی های کوچک نهایت بیرق خودشان را تا

نیمة دکل بر فراز کشیده بودند - قوسول روس لشکری سفیر را که در گرجی سرکوب خودش بود پهلوی واپور هابونی بست خود و احزای محترم او با بدرقه کنندگان

سوار واپور دوات شدند - مقصود این است که با احترام هر چه تمام لشکری وزیر مختار را از پیر بازار وارد اتلی نموده از آنجا دریا به رجا پست نقل دادند - در بارگاه

علی اف صاحب کشتی به تمامت تجار داخله و خارجه نهار مفصلی داده چای و قهوه هم صرف شده - بنده نیز حاضر بود

مدرسه (عضدیه) مفتوح شاگردها تحصیل میکنند - حاجی فرج الله تاجر بادکوبه و علاءحسین آقای متمدنالتجار در انشاءات مدرسه ار فراهم آوردن مبل و سایر

لوازمات مدرست زحمت کلیه کشیده اند و سایرین نیز مخصوصاً حاجی فرج الله که وکیل آن مدرسه است دقیقه فروگذاری در پیشرفت کارهای مدرسه نمینماید اگر

اختلاف آراء تقصی بمدرسه وارد بیآورد خوبست - اما چون مطابق با عهد حکمرانی شاهنشاهزاده اعظم و اسم مبارک ایشان است امیدواریم توجه مخصوص

شاهنشاهزاده مبظم روز بروز بر وسعت مدرسه و ترقیات تعلیمی آن بیفزاید

قزوین

حکومت قزوین با جناب مستطاب سالار اسکرم است - واقع بعد از حکومت جناب سعدالسلطنه حاکی محسن - لوک حکومت عالی در قزوین بیامده عمرم داد

مردم را کاملاً رسیدگی و حکم بهدالت میفرماید چونکه شهرت داده اند که در طهران و قم - فی الجمله ناخوشی میباشد حکومت قزوین حکم فرموده که بعضی

خوراکیهای بیمنی نکند بلکه حکم بستن دکان کبابی کله پزی حایم بزی و امثال اینها را فرموده با وجودیکه تا بحال هوای قزوین مثل بهار است - (محمد علی اصفهانی)

لازمه در این راه وجوهی لازم است که ادای آن فریضه زمه رعیت است چنانکه مثلاً دولت را در دفع اغتشاش بیه قشون و تدارکات مهیات حربیه و غیره لازم است این خود بدون پول ممکن نیست و چون این زحمت در سبیل راحت نوع است لذا نوع ملت را واجب و متحتم میباشد که وجهی - سالیانه بدولت بپردازد تا ترتیبات - و در ا دیده مقاصد خویش را در حفظ رعیت کامیاب گردد و این قاعده در جمیع ملل و طوایف و ارباب ادیان و مذاهب بلا استثناء معمول و مجرب است و اگر اختلافی هست همان در صورت و اسم است که با اصطلاح بعضی تقدیمی و پیشکش و در نزد برخی دیگر هدیه و تکلف یا مالیات یا خیره یا خمس و زکوة میگویند و مراد از مجموع این الفاظ همان شیئی واحد میباشد که عبارت است از آنچه ملت بعنوان حفظ حقوق خود بدولت میپردازد. چنانکه در مقام مصارف نیز اسامی مختلفه از قبیل خیره و مواجب و انعام و تکلیف و صرف جیب و تخفیف و غیره راجع بیک معنا است یعنی صرف وجوه ملت در طرق مصالح آنان - از این بیان معلوم شد که جنس نثر از بدو خروج از حالت توحش و تشکیل هیئت رؤسا قانون مالیات را مرسوم داشته اند چنانکه در تورات شریف نیز اشاره باین مطلب در باب فراغه مصر و غیره شده است و در سلطنت اسلامی نیز بنام زکوة در بعض اشیا و بام خمس در بعض دیگر مقرر گردیده و بجهت حفظ آن و رسانیدن بارباب استحقاق عملی مقرر نموده اند با اسم بیت المال مسلمین و با اصطلاح ارباب سلطنت این محل را خزانة دوات مینامند و کسی حق ندارد سهمی از آن بردارد مگر اینکه در راه استقلال ملت و حفظ حقوقشان خدمتی کرده باشد -

بالجمله قسمی از هیئت دولت که مشغول بترتیب این شغل شود وزارت مالیه و کتبیجه مخصوص نبت وجوه حالیات و طرق آن دفتر استیفاء یا بودجه نامند و هر چه را دولت بهر عنوان بگیرد راجع باین اداره است ولی جای تعجب آن است اکثر چنین گمان میکنند که وزارت مالیه منحصر است شغلی با آنچه را دولت از بابت اراضی و آبار و امهار یا از بابت حیوانات و دواب میگیرد و ما بقی واردات دواتی از قبیل گاو و گوسفند و تلگراف و غیره ربطی بمالیات ندارد و این خود خطائی واضح

است چه لازم میآید در این صورت وزارتخانهها غیر محدود باشد چنانکه در مملکت ما متداول است ولی در فرنگ تمام آنچه وارد بخزانة دوات میشود در تحت يك اداره است مثل مالیات اراضی و حیوانات و سر شماری و گاو و اسب و اسناییه و حقوق دولت از بابت خاها و کاسکه ها و تذکره و پست و تلگراف و ضرابخانه و خالصه و حق العبور و حق کشتی رانی و خطوط راه آهن و راه شوسه و آنچه را که مالیات میگوینم همان خراج است نهایت دو از منة قدیمه چندان گرفتن مالیات باین ترتیب و تفصیل حالیه نبوده است فقط سالیانه بعنوان اراضی یا حیوانات یا سر شماری چیزی دولت میگیرد و بمصرف قشون و نظام میرسانید و سبب هانا تاریخی علم و فقدان علم بود - در اینجا شاید بعضی متوحش شوند که زیادتی اخذ مالیات را با کثرت و انتشار علوم چه مناسبت است وقت مالیه را بافقد علم کدام رابطه ؟ توضیح آنکه در بدو تشکیل اجتماع بشر بواسطه قلت علم و دانش فقط آنچه رابطه اجتماع بود مسئله زراعت و چوپانی حیوانات بوده زیرا که همه همشان صرف تحصیل اطعمه نباتی و حیوانی بود و غایت امر آنکه بعضی حیوانات دیگر را از قبیل اسب و استر و شتر بجهت تفرج و سواری و حمل و نقل مکان حفاظت مینمودند و اسلحه شان مرکب بود از چوبهای سنگی و سنگ و فلاخن و مال را با یکدیگر مبادله می نمودند و معاشرت نبود تجارت و صنایع نداشتند عقولشان زیاده از آن مرتبه را تصور نمیکرد لذا بمقدار حاجت همان وقت مالیات مقرر نمودند - ولی امروز دائرة علوم و اطلاعات زیاد است از يك طرف عمل زراعت و فلاحات از طرفی تجارت و کسب و دیگر صنایع و اختراعات که در هر يك محتاج اند بکشف و استخراج معادن و تأسیس فابریکهای بزرگ و ساختن راه آهن و کشتی و غیرها و محافظت امنیت و آسایش در جمیع اینها بر عهده دولت است خواه در داخله مملکت یا خارجه - از اینرو دولت مجبور است که بر عهده مستخدمین بیفزاید - در هر نقطه از عالم که تجارت و رعیت دارد مأمور مخصوص بفرستد و حفظ سلامت مسافرین و امنیت طرق و شوارع و ساختن قراولخانهها و پست و گذاردن مستحفظ و سوار در آن نقاط

لازم است نظر بمحافظت سرحدات وعدم تحطی اجانب
 پست خانهای سرحدی واجب است و برای عبور و مرور
 کتبیهای تجارتی دسته چهارات جنگی باید مرتب نمود -
 در مقابل استعداد خصم و قول همجوار باید تهیه و
 استعداد فراهم کرد از ایروست که هر روز بواسطه
 اکتشاف یک اسامه جدید مصارف بسیار هر دولت
 باید منحل شود تا از دشمن عقب نیفتد انواع توپهای
 جدیدالاختراع و تفنگهای تازه ساز و فشنگهای طرح
 مخصوص دول را بمخارج فوق الماده تحریر و ترغیب
 میناید - و شك نیست که همه این مخارج در سیل آسایش
 عموم ملت است پس باید از جیب آنان پرداخته شود
 و گرنه دولتی از کجا قوه این همه مخارج و مصارف
 است از ایرو عبورند بنا برین مختلفه مصارف فاضل را
 سرشکن رعایا نمایند و هم رعایا حق نکول و عدم قبول
 ندارند زیرا که تمام راجع بمحافظت آنهاست و از پیکره
 امر معلوم شد که هر چه بر تمدن بیفزاید و دائره علم
 وسعت یابد و تجارت شایعتر گردد بر مالیات افزوده
 خواهد شد - پس اینکه برخی جهال عوام تصور
 مینمایند دولت ایران از این حیثیت از دول اروپا نیکو
 تر است و ملت بواسطه کمی مالیات در رفاه و آسایش
 از اغلاط است زیرا که منشأ عدم ترقی علم در این مملکت
 است و گرنه چون علم زیاد و روابط افزون شود با جار
 دولت را تدارک دیگر لازم است و بدیهی است که پول
 از آسمان فرستاده نمیشود و از زمین نمیروید - در
 آنگاه یکی از دو مسلك را دولت پیش نهاد خود
 باید بنماید اول آنکه از تکالیف لازمه خود صرف نظر
 نماید و از شغل خویش فرو گذار کند عیان ملت را در
 گردن خودشان اندازد و از حفظ حقوق آنان چشم
 پوشد تا محتاج بمخارج نگردد - دوم آنکه بایسته خود را
 بجا آورد و مصارف آنرا از رعیت بگیرد و حقوقشانرا
 حفظ نماید - شق ثانی متصور نیست فرض کنید در
 یک ناحیه مملکت جمعی دزدان خون آشام و قطاع الطریق
 پیدا شده که بر جان و مال و ناموس رعایا میزنند محل
 آسایش و طابع آرامش عامه اند مسافری را میکشند
 و اموال شانرا غارت میکنند و دولت را بجهت قلع و
 قمع این اشرار تدارک قشون و مهات حربیه فوق الماده
 لازم است و اکنون در خزانه و جیبی که کافی اینهمه

باشد موجود نیست پس باید دولت یکی از دو امر را
 پیشهاد کند یا از محافظت امن و امان صرف نظر
 کرده بگذارد خلق را تا چون سباع درنده بر یکدیگر
 نازند یا آنکه متکفل رفع این اغتشاش و رفع این فساد
 شود و وجوه لازمه را از رعایا بیک عنوان تازه بگیرد
 مثل مالیات نمک و غیره والا ممکن نیست که دولت قشون
 از ملائکه آسمان و تدارک الات حرب را از گرزهای
 جهنم و آذوقه را از طعامهای بهشت نماید و بدون
 گرفتن یک شاهی از احدی هر غایله را رفع نماید و آتش
 مشتعل را خاموش کند -

این است که دول اروپا بنا برین مختلفه چندان مالیات
 بر رعایا تحمیل میکنند که تاب و توانشان گسیخته و
 ملت با کمال میل و رغبت میپردازند و هرگز اظهار
 ملال و تکدر نمیکنند - آیا میشود تصور کرد ملت اروپا
 از ما جاهل تراند و ما از آنان دانا تر که ما ملتفت
 نقالت این بار میشویم و آنها مطلع میشوند ؟ یا آنکه
 باید گفت آنچه را آنها میدانند ما نمی دانیم و کور
 کورانه قدم میزنیم اگر دولت بخواهد بلحاظ ترقی
 تحمیل مالیات جدید نماید غوغا و فریاد میکنیم و در
 مساجد اجتماع کرده جاهلانه شورش و اغتشاش مینماییم
 و مصدر شرارت و حرکات وحشیانه میشویم در صورتیکه
 شاید خیر خودمان را دولت منظور نموده است سال
 گذشت در مملکت انگلند شورش عمومی شد و سبب
 آن بود که در موقع جنگ جنوب افریقا با حضرات
 یوز بواسطه کثرت مخارج این حرب دولت مالیاتی
 بعنوان جدید نهاده از ملت می گرفت چون جنگ
 اختتام یافت و قشون از صکیب مراجعت نمود
 دولت بملاحظه آنکه افزودن مالیات بجهت حرب بوده
 و امروز که حرب تمام شده است دیگر گرفتن این
 وجه لازم نیست حکم نموده از بودجه مالیات
 ساقط کردند ملت مدعی شدند که ما دادن این مبلغ را
 بر خود همواره نموده ایم و تلافی آنرا از راههای
 دیگر کرده البته باید دولت این وجه را بگیرد و
 بمصارف لازمه برساند - اوایام دولت بلحاظ اینکه مبادا
 زیادتی پول را در مصارف غیر لازمه خرج نموده در
 آخر سال که صورت جمع و خرج میدهند ملت ایراد
 بگیرند و موجب اشکال شود قبول نکردند این معنی

موجب هیجان خلق و شورش عمومی گردید (بین تفاوت ره از کجا است تا کجا) پس معلوم میشود که مطلب بر ما مشتبه شده بدلیل آنکه در مقام نتیجه ترقی آسایش آنها و تنزل و تنزیل خود را مشاهده میسازیم فقط حواسیکه ما میتوانیم در رد این ایراد بدهیم آنستکه چون رشته امور ملک بیک قانون اساسی مربوط نیست اگر هر چه ما بدهیم بحال دولت فرق نخواهد کرد یعنی در بین حیف و میل میگردد از حیب ملت خارج و بیکسۀ دولت داخل نمیشود ولی این در صورتی بود که زمام امور بدست یک نفر حائز بود تا آنچه را میتواند خود میخورد و آنچه را نمیتوانست دیگران تقاب میکردند و خان مزبور شریک دزد و رفیق قافله بود - امروز که بحمد الله اینگونه اوضاع مرتفع و بساط شیادی برچیده شده است کار بدست یکی زنده مرد تربیت طلب ترقی خواه است نمی بینید چگونه در اصلاح جزئی و کلی اهتمام مینماید و نمیگذارد دیناری از مال دولت پایمال شود در این وقت هر چه مالیات بدهید اسباب آسایش خود را فراهم نموده اید چنانکه شخص چندین هزار تومان خرج میکند تا یک منزلی بجهت استراحت خود تشکیل دهد

خلاصه - آنکه اروپائیان باین مراتب اکتفا نکرده حفظ صحت عمومی آنها را نیز دولت ذمه وار گردیده و در مقابل بضایین چند مثل خانه و کالسه و غیره مالیات مقرر نمودند که سالیانه از عموم مالیات جدید را گرفت صرف تدارکات و لوازمات مینماید از قبیل مواجب اطباء مخصوصه این عمل و تنطیف شهر و اخراج کثافات و فضلات و وضع قرآنتین در صورت لزوم و جاروب نمودن و تمیز کردن کوچها و تأسیس دارالشفاء و مریضخانهها و تصفیه آنها و کشیدن لوله آب همه خانها و ملاحظه اغذیه بازار و غیره اگر ما بگوئیم محتاج بحفظ صحت نیستیم جهالت و نادانی خود را اثبات نموده ایم - چه شك نیست مداخلت ادویه و حفظ صحت و خوردن اغذیه مناسبه و ملاحظه درطول عمر چنانکه از ملاحظه (استاتیک) سنوای دول معمول و محقق میگردد - اگر گوئیم حفظ صحت حتمی است و باید اجراء شود ناچار اجراء کننده آن خواهد دولت باشد یا دیگری محتاج بوجود و مصارفه است - این است

که ما نمیخواهیم پول بدهیم دولت هم مراقبت و مواصبت نمیکند - نمیدانم آب میخورم یا معجون مرکب از هزار جز - هوا استنشاق میکنیم یا گرد و غبار ولی (این مسئله راجع بخیانت مأمورین بلدیهاست که سالیانه مبنای معتد به از دولت باسم جاروب کردن خیابانها و آب پاشیدن میگیرند و در زمستان گل و کثافت تا قمر زمین است و در تابستان گرد تا آسمان) و نیز دولت باین اکتفاء نکرده درصدد توسعه دائره تجارت برآمده پست و تلگرافی و خط شعندوفر ساخته هم خود منتفع میشود و هم ملقا سودمند میسازد هم فائده عالی بر میدارد و هم بهره پلستیکی - و نیز بلحاظ ترقی شرف و افتخار ملت سالیانه مبنای از ملت وصول مینماید چنانکه در جنگ بشنوان وجه اعانه یا مالیات مقدار معتدبه میگیرند و دولت روس در این جنگ با زاپون از تمام رعایا اعانه گرفته است از تبعه روس در طهران تا کزون دو مرتبه وجه اعانه جمع نموده اند در واقع جنگ عثمانی با یونان نگارنده در عتبات طالبات توقف داشت هر روز مأمور مخصوص اعانه مبنای جمع آوری میکرد و احدی از این حکم مستثنی نبود حتی از سها ها و کداهان نیز قری یک مجیدی بیاض گرفتند - از بیانات مذکوره بخوبی آشکار شد که دادن و گرفتن تخفیف صحیح نیست زیرا در حقیقت راجع میشود به تخفیف تکالیف دولت در حفظ شئون ملت و سدی است در اقبال حصول آسایش و ترقی عموم مگر آنکه فی الواقع این ملک محتاج به تخفیف باشد یعنی بواسطه وقوع حادثه غیر مترقبه از قبیل قحط و غلا و فساد زراعت دادن یک مقدار مفروضی از مالیات زیاد از قوت و قدرت اوست و خلاف عدالت و حقانیت است چنانکه تفصیل آن بزودی عرض میرسد

و همچنین است سایر آنچه را دولت بضایین مختلفه از قبیل انعام و تکلف و صرف حیب و غیره بتبرار باب استحقاق میدهد یعنی کسانی که در اداره امور دولتی و حفظ هیئت ملیه مستخدم نیستند ولو آنکه شبانه روز را بدطای ترقی ملت و دولت مشغول باشند (زیرا که دعا وقتی اثر میکند که قریه الی الله باشد و خالی از اغراض نفسانی و طمع دنیوی و دلتی در

ازاء لبره زرد و پول سفید باشد هرگز دودرگاه احدیت مستجاب نمیشود) و این مسئله از قواعد مسلمة علم سیاست است که دولت را جایز نیست صرف کند خزانه خود را در چیزیکه نافع بشئون ملت نیست و در زمان خلیفه ثالث عثمان بن عفان عمده ایرادیکه مهاجر و انصار بروی داشتند آن بود که بیت المال مسلمین را که مخصوص مجاهدین و مستخدمین است بر اقوام و بستگان خود از طائفة بنی امیه مثل معاویه بن ابی سفیان و عبدالله بن ابی سرح و مروان بن حکم و غیرهم بدون لیاقت و خدمت می بخشید -

ار این معنی گذشته در موارد مشروعه لارمه نیز غایت اقتصاد و صرفه جویی دواترا لازم است و امروز علم اقتصاد سیاسی (اکنومی پاتیک) یکی از علوم سیاسیة بسیار مهم است که در مدارس عالیة فرنگ تحصیل می نمایند و جز احزاء وزارت حربیه تمام مستخدمین دولت را دانستن آن لازم است و هیچ دولت را دوام و استقرار حاصل نشود مگر اینکه در امور غایت اقتصاد را مرعی دارد - از اینجا است که علماء سیاست گویند (بذل و بخشش سر سلاطین را جایز نیست بدون لیاقت و طابیت طرف منابل در این مقام مناسب است بجهت مرید اطلاع قراء محترم و رفع شبهة بعضی قاصرین شرحی را که صاحب کتاب (التمدن الاسلامی) در جلد دوم صفحه ۱۰۲ و ۱۰۳ کتاب مزبور مرقوم داشته ترجمه نماید مشارالیه در تحت عنوان ذیل مینگارد -

« صرعه جونی خلفاء اولین و تدابیر ایشان »

از امور متررة در تاریخ سیاسی آنستکه رؤسین دول و بک دو پشت بعد از آنها مسئله اقتصاد و صرفه و حسن تدبیر در بین شان غالب است و گرنه ممکن نیست بتوانند تشکیل دوات و سلطنت دهند و هرگاه تشکیل دهند نیز قوائم و دعائم آن ثابت و محکم نخواهد بود و در اصطلاح فلاسفه تاریخ این ایام را تمبیر کنند بزمان صباوت و طفولیت دولت و این دررة صباوت بواسطه جمع ذخایر و خزان و تدارک عساکر و لوازم ترقی و نمو نماید تا آنکه رشد نموده بدرجه جوانی رسد و عظام و اعصابش سخت محکم گردد آنگاه شروع به تنزل کند و پس از تکمیل رویه بعضی بشد مانند جوان که بعد از رشد کامل بحرکت قهقرا

بطرف پیری و شیخوخت حرکت کند - دولت بی عباسی در زمان سفاح ایجاد محالست صباوت مانند طفلی که نازه با برصه عالم نهد - پس منصور در حجر تربیت خود متکفل سرپرستی او گردیده او را تغذیه و تربیت نمود تا آنکه آن طفل نورس نمو و رشد کرد - زمان جوانی مقارن بود با ایام رشید و مأمون آنگاه شروع به پیری نهاد و روز بروز شکسته و ضعیف گردید

سفاح بعد از چهار سال سلطنت و امکداری ولخت از سرای قانی برپست و از خود بجز بعض البسه فاخره ارث نهاد و هرگاه مریدی طمع کار بود ممکن میشد او را که اموال کثیره اندوخته و ذخیره نماید زیرا که غنائم بسیار از دولت بنی امیه بدست او افتاده بود که کفاف چندین خزان را می نمود به علاوه مالیات و خراج - آنگاه نوبت سلطنت بمنصور رسید که پست آمد سال متولی این شغل بود در این طول مدت (۱۰۰۰ و ۸۱۰۰) هشتصد و ده میلیون درهم اندوخته نمود و بواسطه فرط میانش بجمع مال متهم بخل گردید با اینکه دارای این صفت زشت نبود ولی جود و کرم را بیجا و در غیر موقع نمی نهاد - هرگز بذل ما نمیکرد مگر آنکه در اداء آنچه منفعتی در استحکام و تأیید دوات خود میدید - و مرتبه منصور در استحکام بنیان سلطنت عباسی بواسطه حزم و حزم و عدالت و شدت مرتبه عمر است در صدر اسلام - پس است دلیل بر اقتصاد و حسن تدبیر و نظر ناقبش آنچه را که بفرزندش مهدی وصیت کرده است در وقت وفات ترجمه باره از کلماتش این است - ای فرزند چندان از اموال بجهت تو اندوخته کردم که هرگاه تا پست سال خراج بدست تو نیاید کفایت کند ترا در آنوقت لشکر و مخارج خود و ذریه و سایر لوازم سلطنت - بهرگز از اینکه زانرا در امر خود مدخلیت دهی و از اسراف و تبذیر اموال رعیت کثاره گیر و سرحدات دولت را سخت محکم کن و اطراف را ضبط نما و راهای عمومی را این کن با عموم برفق و مدارا سلوک کن و دفع شر از رعایا نما و اموال را تهیه و ذخیره بکن که هرگز نتوان از مکر روزگار ایمن بود و رجال را مهیا ساز

بیم (تفسیر دارد)

خبر اخبارات خارجی

اقوام است که بن دولین روس و عثمانی هر خادۀ گنشتن جہازات خشکی روس از بوغاز داردناز مخفیانه معامده شده از وزیر اعظم انگلستان در این مادمه در پارلمان پرسش شده لاعلی خود را ظاهر کرده است
تازہ یک متاؤلہ تجارتي بین روس و آلمان بجنوبہ نگذشتہ بامضا رسید

یکی از جہازات (پیو کپانی) که (استریلیا) نام داشت بگل نشسته شش صد هزار روپہ بکمپانی مزبور نقصان وارد آمده است
میگویند یکی از جہازات تجارتي بلژیک وارد (ولادبودسک) شدہ یکصد توب از کارخانہ کروپ برای روس حمل داشته

اخبارات روسی مینویسند که یکصد و پنج هزار لشکر و دو بیست و بیست و شش ہرادہ توب تحت حکم جنرل (کروکی) و یکصد و چہل و پنج ہزار لشکر با چہار صد سی و چہار توب زیر امر جنرل (اوکو) موجود میباشد علاوہ بر قشونیکہ برای کمک زیر فرمان جنرالہای دیگر است

پدر قاتل حاکم (فلند) را نیز تحت نگرانی شدید بہ پترزبرگ روانہ داشتہ اند پدر قاتل جنرل (شامین) نام دارد و رئیس مشورتخانہ (فلند) است پس او کہ قاتل بود نیز گرفتار شدہ ہر قدر از لاسقوال میشود جواب نمیدہد و خاموشی اختیار نمودہ

یکی از فراشان بست در (برتکس) گرفتار شدہ مفت چہار سال دوازده ہزار خطوط را قاب نمودہ خطوط ہمہ بدست آمدہ ضبط شدہ است
در بیت المقدسی چند نسخہ جات عتیقہ بدست آمدہ جنین گمان میکنند کہ از کلمات مقدسہ حضرت روح اللہ علیہ السلام است

بندر (بسن) در یکی از آبارہای ذخیرہ دولتی برقی افتادہ سی ملیون روپہ نقصان وارد آورده است
خبر امتحان مدرسہ مبارکہ

نوروز در ولاد قفقاز

ببارگی و مسرت و افتخار در ظل عنایت بزرگانہ اعلی حضرت اقدس مایون شامندہ ان خلیفہ سلطانہ مجلس امتحان مدرسہ نوروز منعقد شدہ شاگردان

ہوشمند ایرانی از نسایج مسامی و غیرت معلمین کار یکسال را در چہار ماہ گذرہ بودند و الحاق در ترقی و تقدم توان گشت کہ اہجاز بظہور آورده اند

روز یکشنبہ (۲۷) شہر ربیع الاول بنا دعوت رئیس کل مدارس (ترکی اولاست) عموم مدارس ولاد قفقاز در طسال مدرسہ کرچی ہا مجلس جشن بسیار عالی بجللی برپا کردند اگر عہدہ ما وقع مجلس تجریر آورده شود دفتر مفصلی فرام میآید فقط خلاصہ آن مجلس بزرگ را بتوسط جریدہ مبارکہ بہ انظار معارف بزومان مبرسام بموجب دعوت نامہ جناب نصرۃ الوزارہ قونسول دولت علیہ ایران مقیم ولاد قفقاز حاکم شہر بملاوہ عموم اعیان دولتی و رجال محترم از ریش سفیدان ایرانیان حضور داشته قرب ہزار نفر تماشا جمع شدہ بودند در مجلس دوم اطفال مدرسہ نوروز آمدہ اشعار و خطابات خود را با نہایت ملاغت و سلاست فرو خواندند و در آخر عموماً با تعلیم و ارانہ معلم السنہ شرقیہ (مارش) ایران یعنی سلامتی شاہ را با لحن بسیار خوش بترنم در آوردند و ہمینکہ بنام مقدس شاہانہ رسیدند حاکم شہر با عموم حضار فوراً برپا استادہ و مراسم احترام و تنظیم را بجا آوردند و عموم ناظرین قریب دہ دقیقه (ہورا) کشیدہ و آفرین خوانندہ دست بیکدیگر زدند و بد حاکم شہر با اغاب حضار بخود قونسول و معلمین دست دادہ و تبریک گفتند و ہمہ با کمال تعجب اظهار میداشتند کہ ما هیچ ندیدہ ایم در اندک مدتی اطفال روس با سایر ملل اینقدر ترقی کردہ باشند و اداً امید داشتیم کہ اطفال ایرانیان تا این درجہ مستعد ترقی باشند خصوصاً حاکم شہر در آخر خطبہ خوانندہ و از ترقی اطفال وجودت ایرانیان و دوستی ملتین و دولین عایتین بسی تعجیدات و تشکرات نمود - پیش از انعقاد مجلس رؤسای مدارس سایر مال ہمینکہ دیدند اطفال مکتب ایرانیان با زبان فارسی شعر خوانندہ خوانند فوراً برپا مدارس و حاکم شہر ہریشہ طلبند کہ آنها نیز با زبان خودشان شعر بخوانند و حق کرچی ہارا کہ وطن خودشان است ہرچہ اصرار کردند اجازہ دادہ نشد و در آن مجلس فقط شاگردان مدرسہ نوروز بزبان خود شعر خوانندہ آنہم طرش بوقتہ را بتروژنامہای شہر ہمہ این نکات را اشارہ دادہ الان در تمام شہر

صحبی جز تعریف و تمجید مدرسه نوروز در میان نیست
سبب باغی شاگردان مدرسه نوروز اوراق احترام
بلاوه انعامات لایقه با دست خود حاکم شهر و اهلیان
بلد توزیع شد و هر یک از اطفال را یک بسته شیرینی
با تعویق و تمجیدات لازمه انخاف گردیده برای تعطیل
دو ماه و نیم مرخص شدند

تکرافات

(۱۸ جمادی اول - اول آگست)

§ مخبر روتر از پترزبرگ خبر میدهد که تا کنون
جواب سایر انگلیس در اعتراض بر گرفتاری جهاز
(بایت کاندن) رسماً نرسیده. ولی این امر بوق پیوسته
که سفیر انگلیس را روسیان اطمینان داده که ازین و
بعد اینگونه واقعات بوق نخواهد رسید. و بواسطه
وقوع حادثه جهاز (بایت کاندن) دستورالعمل جدیدی
ارحباب دولت با امیرالبحر [الکس] فرستاده شده است
§ جنرل (کروپاتکن) راپورت میدهد که سه جماعت
بزرگ از لشکریان ژاپونی بتاریخ ۳۱ آغاز بمحله نمودند.
لشکریان اردوی اول روس از طرف جنوب دفاع
کرده بآرامی بجانب (هیچنگ) فرار کردند

§ لشکریان جنرل (اوکو) و جنرل (تاکوشان) ساعیند
که بین قشون روس که در (سیموجنگ) و (هیچنگ) است
افتراق اندازند. ژاپونیان بجانب حصص شرق آمده
روسیان را از (ایکهاوین) فرار میدهند و نیز در راه
(لیاویانک - و سیامنی) بر آنها حمله مینمایند

§ مشهور است که قشون زیادی از ژاپون در (سکو)
بجاک آمده در پناه جهازات جنگی میباشد
§ از نوشته جات روسی جنرل (کروپاتکن) معلوم
می شود که دبروز بعد از ختم جنگ روسیان نزدیک
بمقامات خود بودند

§ جنرل (کیلر) روسی که مأمور بر دره (یانکی لینگ)
بود از گلوله توب خصم وداع زندگانی گفت

§ (ارل برسی) در دارالشورای ملی بمجواب سائلی اظهار
داشت که دولت انگلیس بدولت روسی اعتراض نموده که
ارزاق را نمیتوان از اشیاء ممنوعه جنگ بشمار آورد
(۱۹ جمادی اول - دوم آگست)

§ وقایع نگار اخبار (دیلی کرایکل) که در اردوی
جنرل (کروکی) است می نویسد که حمله شدیدی ژاپونیان

بر کوهائیک در جنوب مغربی دره (هومتونینگ) واقع است
نموده روسیان بر میسر قشون ژاپون سخت حمله برده
مقابله دایرانه نمودند. قشون منجه ژاپون جنگ بسیار
عمده نموده از قلب لشکر مسلسل گلوله مرگ میبارید
ماقتب ژاپونیان مقامات منجه قشون روس را متصرف
شده لشکریان روس فرار اختیار نمودند فقط یک دره
دیگر تا برسد به (لیاویانک) در قبضه روسیان باقی
مانده است

§ مخبر روتر از (توکیو) خبر میدهد که جنرل (کروکی)
رپورت داده که لشکریان ژاپونی (کوشن نینت آزو)
و (بانکت زوبسنگ) را متصرف شده اند

§ بموجب رپورت جنرل (کروکی) روسیان از مقامات
مذکوره فرار نمودند و چند عراده توب روسی غنیمت
لشکریان ژاپون شد دو روز کامل جنگ برقرار بود
از اردوی ژاپونی تا (لیاویانک) ۲۵ میل باقی مانده است

§ مخبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد دو سه روز
کامل جنگ بسیار شدیدی در بندر (آرهر) واقع شده
لشکریان ژاپونی (شاتیکو) را که از قلاع محکمه بندر
آرهر محسوب است متصرف گردیدند

§ دولت روس رسماً اعلان نموده که مرخصی
جهاز ملکه بواسطه آن شد که رسماً دولت انگلیس
اظهار نموده اشیائیکه حل بر جهاز مزبور است راجع
بدولت انگلیس میباشد و این نکته مانع بود که
کپتان جهاز موصوف از نمودن مراسلات دولتی
عذر آورد. ولی این مسئله ظاهر است که دولت
روس از اقدامات معروعه خود از فرستادن جهازات
جنگی يك دولت از مقاصد دولتی باز نخواهد ایستاد
چون میباید که برای جهازات (والنتیر) روسی
مقرر بود ختم شده از آنرو آنان را طلب نمود اند.
ولی در ماده گذشتن جهازات مزبوره از بوفاز
(دارد ندر) هیچگونه اشاره شده است

(۲۰ جمادی الاول - ۲ آگست)

§ مخبر روتر از (توکیو) خبر میدهد که در جنگ
(تووجنگ) که یوم شنبه و یکشنبه شده. بود هزار
و پانصد نفر روسیان بقتل رسیده ماقتب لشکریان فرار
نمودند. و نیز شش عراده توب آنان غنیمت لشکر
ژاپون شد. مقتولین ژاپون در این میدان چهار